

Deutsch B2

آموزش زبان آلمانی سطح B2

گرامر پیشرفته، واژگان موضوعی، کالوکیشن‌ها، اصطلاحات، متن‌ها و جمله‌های استدلالی
همراه با تمرین، پاسخ‌نامه و ۷۲ فلش‌کارت قابل چاپ

Das komplette Lernheft für Persischsprachige

نمونه‌پاسخ آزمون گوته B2

۳۰ اصطلاح تازه

۲۱۶ واژه در ۱۲ موضوع

۱۶ درس گرامر پیشرفته

Meiner Meinung nach ...

به نظر من ...

فهرست مطالب

روی هر عنوان بزنید تا مستقیم به همان صفحه بروید.

۴۰	ترکیب‌های ثابت و کالوکیشن‌های B2	۲	پیش از شروع
۴۰	ترکیب‌های اسم و فعل (Funktionsverbgefüge)	۴	گرامر سطح B2
۴۲	اسم + حرف اضافه	۴	زمان‌ها در سطح B2 و بیان حدس
۴۲	فعل‌های حرف‌اضافه‌دار سطح B2	۵	کاربرد ذهنی افعال مدال
۴۳	ترکیب‌های رسمی برای بحث و نوشتن	۶	مجهول پیشرفته و جایگزین‌های آن
۴۵	اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های B2	۸	وجه التزامی اول و نقل قول غیرمستقیم
۴۸	متن‌های خواندنی B2	۹	Konjunktiv II پیشرفته
۴۸	پرستاران خارجی در آلمان	۱۰	صفت‌های فاعلی و مفعولی گسترده
۴۹	آیا به هفته کاری چهارروزه نیاز داریم؟	۱۱	سبک اسمی: تبدیل جمله به گروه اسمی
۵۰	چندزبانگی با مغز چه می‌کند؟	۱۳	حروف ربط سطح B2
۵۱	شرایط ثبت‌نام در دوره‌های زبان	۱۴	حروف اضافه سطح B2
۵۲	راهبردهای آزمون خواندن و شنیدن B2	۱۵	جمله موصولی پیشرفته
۵۴	جمله‌های کاربردی، مکالمه و نوشتن B2	۱۷	ساختارهای مصدری پیشرفته
۵۴	جمله‌های آماده برای استدلال (Redemittel)	۱۸	ادات وجهی: روح زبان گفتاری
۵۵	آزمون شفاهی، بخش اول: ارائه	۱۹	ساخت واژه: یک ریشه، ده کلمه
۵۶	آزمون شفاهی، بخش دوم: بحث	۲۰	پیشوندهای دوگانه: جدانشدنی یا جدانشدنی؟
۵۷	نوشتن، بخش اول: نظر در فروم	۲۱	صفت‌ها و صفت‌های فعلی در نقش اسم
۵۸	نوشتن، بخش دوم: پیام رسمی	۲۲	ساختار جمله پیشرفته: es، تأکید و جایگاه آخر
۶۰	اشتباهات رایج فارسی‌زبان‌ها در B2	۲۵	واژگان موضوعی
۶۱	لحن و تکیه: یک قدم نزدیک‌تر به گفتار طبیعی	۲۵	دنیای کار و مسیر شغلی
۶۲	پاسخ تمرین‌ها	۲۶	اقتصاد و پول
۶۴	فلش‌کارت‌های آموزشی	۲۷	جامعه و سیاست
		۲۸	مهاجرت و ادغام
		۳۰	محیط زیست و پایداری
		۳۱	دیجیتالی شدن و فناوری
		۳۲	رسانه و ارتباطات
		۳۳	آموزش و علم
		۳۴	سلامت و پزشکی
		۳۵	شخصیت و روان‌شناسی
		۳۶	فرهنگ، هنر و سبک زندگی
		۳۷	حقوق، قرارداد و زندگی روزمره

پیش از شروع

این کتابچه ادامهٔ مستقیم کتابچهٔ B1 چرب زبان است و برای فارسی‌زبان‌هایی نوشته شده که B1 را گذرانده‌اند و حالا می‌خواهند به سطح B2 برسند؛ سطحی که برای بسیاری از مسیرها در آلمان کلیدی است: از تحصیل در برخی دانشگاه‌ها و رشته‌ها تا گرفتن مجوز کار در مشاغل مثل پرستاری، و البته خود آزمون **Goethe-Zertifikat B2**. همهٔ توضیحات به فارسی است و هر جا ساختار آلمانی با فارسی شباهت یا تفاوت مهمی دارد، در کادرهای ویژهٔ فارسی‌زبان‌ها آمده است.

♦ سطح B2 یعنی چه؟

طبق چارچوب مشترک اروپایی زبان‌ها، کسی که در سطح B2 است می‌تواند:

- ایده‌های اصلی متن‌های پیچیده را، چه دربارهٔ موضوعات ملموس و چه انتزاعی، بفهمد و در رشتهٔ تخصصی خود بحث فنی را دنبال کند؛
- آن‌قدر روان و خودجوش صحبت کند که گفت‌وگو با آلمانی‌زبان‌ها برای هیچ‌کدام از دو طرف خسته‌کننده نباشد؛
- دربارهٔ طیف وسیعی از موضوعات متنی روشن و دقیق بنویسد و مزایا و معایب گزینه‌های مختلف را توضیح دهد.

♦ آزمون Goethe-Zertifikat B2 در یک نگاه

مهارت	زمان	ساختار	حد نصاب
خواندن (Lesen)	۶۵ دقیقه	۵ بخش، ۳۰ سؤال	۶۰ از ۱۰۰
شنیدن (Hören)	حدود ۴۰ دقیقه	۴ بخش، ۳۰ سؤال	۶۰ از ۱۰۰
نوشتن (Schreiben)	۷۵ دقیقه	۲ بخش: نظر در فروم (حدود ۱۵۰ کلمه) و پیام رسمی (حدود ۱۰۰ کلمه)	۶۰ از ۱۰۰
صحبت کردن (Sprechen)	حدود ۱۵ دقیقه (دو نفره) + ۱۵ دقیقه آمادگی	۲ بخش: ارائه و بحث	۶۰ از ۱۰۰

🎯 نکتهٔ آزمون

آزمون گوته B2 هم «مدولار» است: هر مهارت جداگانه نمره می‌گیرد و می‌توانید فقط بخشی را که قبول نشده‌اید دوباره امتحان دهید. زمان، هزینه و محل آزمون را پیش از ثبت‌نام از سایت رسمی Goethe-Institut یا مرکز آزمون مجاز بررسی کنید.

♦ از B1 تا B2 چه چیزی عوض می‌شود؟

B2	B1
جامعه، اقتصاد، علم، رسانه، مسائل انتزاعی	زندگی روزمره، کار، سفر
Konjunktiv I، جایگزین‌های مجهول، Partizipialattribut، سبک اسمی	جملهٔ وابسته، مجهول ساده، Konjunktiv II پایه
کلمات دقیق، ترکیب‌های رسمی، اصطلاحات	کلمات پرکاربرد

B2	B1
نوشتن	ایمیل ساده، نظر کوتاه
استدلال منسجم، لحن رسمی دقیق	
صحبت	برنامه‌ریزی و ارائه ساده
ارائه ساختارمند و بحث با استدلال و سازش	

♦ چطور از این کتابچه استفاده کنم؟

بخش	چه چیزی دارد	چطور بخوانم
۱. گرامر	۱۶ درس پیشرفته با جدول، مثال و تمرین	هر دو روز یک درس؛ مثال‌ها را بلند بخوانید
۲. واژگان	۲۱۶ واژه در ۱۲ موضوع آزمون B2	روزی ۱۵ واژه؛ هر واژه را در یک جمله شخصی به کار ببرید
۳. کالوکیشن‌ها	Funktionsverbgefüge، اسم و فعل حرف‌افزاده‌دار، ترکیب‌های رسمی	در هر نوشته حداقل سه ترکیب جدید به کار ببرید
۴. اصطلاحات	۳۰ اصطلاح تازه با معادل فارسی	برای فهم متن و شنیدن؛ چند مورد هم برای صحبت
۵. متن‌ها	۴ متن به سبک آزمون B2 + راهبردها	اول با زمان‌سنج، بعد با واژه‌نامه
۶. مکالمه و نوشتن	جمله‌های استدلالی و نمونه‌پاسخ کامل	نمونه‌ها را با موضوع خودتان بازنویسی کنید
۷. اشتباهات رایج	تله‌های B2 برای فارسی‌زبان‌ها	یک هفته قبل از آزمون مرور کنید
فلش‌کارت‌ها	۷۲ کارت دورو برای چاپ	چاپ دورو، برش، مرور روزانه به روش لایتنر

♦ برنامه پیشنهادی ۱۰ هفته‌ای

هفته	گرامر	واژگان و مهارت
۱	درس ۱ و ۲ (حَدَس، مَدَال ذَهَنی)	کار، اقتصاد · متن ۱
۲	درس ۳ و ۴ (مَجْهول، Konjunktiv I)	جامعه، مهاجرت · جمله‌های استدلالی
۳	درس ۵ و ۶ (Konjunktiv II، Partizip)	محیط زیست، فناوری · نظر در فروم
۴	درس ۷ و ۸ (سَبک اسمی، کلمات ربط)	رسانه، آموزش · متن ۲
۵	درس ۹ و ۱۰ (حروف اضافه، موصولی)	سلامت، شخصیت · پیام رسمی
۶	درس ۱۱ و ۱۲ (مصدر، ادات وجهی)	فرهنگ، حقوق · Funktionsverbgefüge
۷	درس ۱۳ و ۱۴ (ساخت واژه، پیشوندها)	اسم و فعل حرف‌افزاده‌دار · متن ۳
۸	درس ۱۵ و ۱۶ (صفت‌های اسمی، ساختار جمله)	اصطلاحات · ارائه ۴ دقیقه‌ای
۹	مرور همه تمرین‌ها	متن ۴ · تمرین بحث دونفره
۱۰	اشتباهات رایج	یک آزمون نمونه کامل با زمان واقعی

🇮🇷 مزیت پنهان فارسی‌زبان‌ها در B2

فارسی هم مثل آلمانی زبانی با فعل در آخر جمله و عادت به جمله‌های طولانی و ترکیبی است. ساختارهایی مثل جمله وابسته تودرتو یا ترکیب اسم و فعل («تصمیم گرفتن»، «مورد بحث قرار گرفتن») که برای انگلیسی‌زبان‌ها سخت‌اند، برای ذهن فارسی‌زبان آشنا هستند. ترکیب‌هایی مثل **zur Diskussion stehen** دقیقاً یعنی «مورد بحث بودن»!

گرامر سطح B2

Grammatik



شانزده درس درباره ساختارهایی که سطح B2 را از B1 جدا می‌کنند: حدس و مدال ذهنی، جایگزین‌های مجهول، نقل قول غیرمستقیم، صفت‌های فعلی گسترده، سبک اسمی و ادات وجهی. هر درس با جدول، مثال‌های ترجمه‌شده و تمرین همراه است.



زمان‌ها در سطح B2 و بیان حدس

Zeitformen, Futur II und Vermutungen

۱

در B2 زمان‌ها را می‌شناسید؛ حالا باید بتوانید با آن‌ها ظرافت نشان دهید: روایت رسمی با Präteritum، ترتیب اتفاقات با Plusquamperfekt و مهم‌تر از همه، حدس زدن درباره حال و گذشته با Futur I و Futur II.

♦ مرور سریع: کدام زمان برای کدام متن؟

نوع متن	زمان غالب	مثال
گفت‌وگو، ایمیل دوستانه	Perfekt	Ich habe gestern lange mit ihm telefoniert.
خبر، گزارش، رمان، زندگی‌نامه	Präteritum	Die Regierung beschloss am Montag neue Maßnahmen.
پیش‌زمینه در روایت گذشته	Plusquamperfekt	Er hatte das Land schon verlassen, als der Krieg begann.
پیش‌بینی، برنامه، قول	Futur I	Die Preise werden weiter steigen.

♦ حدس زدن با Futur I و Futur II

اگر با قیدهایی مثل wohl, wahrscheinlich, vermutlich, sicher بیايد، Futur دیگر درباره آینده نیست؛ درباره حدس است:

حدس درباره ...	ساختار	مثال	ترجمه
حال	werden + مصدر	Sie wird wohl im Büro sein.	احتمالاً الان در دفتر است.
گذشته	haben/sein + PlII + werden	Er wird den Zug verpasst haben.	لا بد قطار را از دست داده.
گذشته (فعل حرکتی)	sein + PlII + werden	Sie wird schon nach Hause gegangen sein.	حتماً تا حالا رفته خانه.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

Futur II برای حدس، دقیقاً معادل «لا بد ... کرده» یا «حتماً ... رفته» در فارسی است. هر وقت در فارسی می‌خواهید بگویید «احتمالاً فلان کار را کرده»، به Futur II فکر کنید.

مثال	قید یا ساختار	اطمینان
Er hat das bestimmt vergessen.	bestimmt, sicher, zweifellos	تقریباً ۱۰۰٪
Sie ist vermutlich krank.	wahrscheinlich, vermutlich, wohl	حدود ۷۵٪
Vielleicht kommt er später.	vielleicht, möglicherweise, eventuell	حدود ۵۰٪
Das wird er kaum geschafft haben.	kaum, wohl kaum	کم

نکته آزمون

در 2 Sprechen Teil (بحث) وقتی درباره آینده یا علت چیزی نظر می‌دهید، قیدهای احتمال جمله‌تان را محتاطانه و پسند-B2 می‌کنند: Das liegt vermutlich daran, dass ...

تمرین ۱ - حدس را با Futur I یا Futur II بیان کنید.

1. Ali ist nicht gekommen. (krank sein – Futur I + wohl)
2. Das Licht ist aus. Sie _____ schon _____. (schlafen gehen – Futur II)
3. Er hat die Prüfung bestanden. Er _____ viel _____. (lernen – Futur II)
4. Wo ist mein Schlüssel? – Du _____ ihn im Auto _____. (liegen lassen – Futur II)

کاربرد ذهنی افعال مدال

Subjektiver Gebrauch der Modalverben

۲

افعال مدال در B2 یک کاربرد دوم دارند: گوینده با آن‌ها نشان می‌دهد چقدر از خبری مطمئن است یا خبر را از کجا شنیده. این ساختار در متن‌های خبری بخش Lesen و Hören بسیار پرتکرار است.

فعل	معنی ذهنی	مثال	ترجمه
müssen	قطعاً، حتماً (نتیجه‌گیری منطقی)	Er muss krank sein, er hustet ständig.	حتماً مریض است.
dürfte	احتمالاً (حدس محتاطانه)	Das dürfte etwa 200 Euro kosten.	احتمالاً حدود ۲۰۰ یورو قیمت دارد.
können	ممکن است	Das kann stimmen.	ممکن است درست باشد.
sollen	گفته می‌شود (نقل از دیگران)	Der Minister soll zurücktreten wollen.	گفته می‌شود وزیر قصد استعفا دارد.
wollen	ادعا می‌کند (خودش می‌گوید)	Er will nichts davon gewusst haben.	ادعا می‌کند از آن خبر نداشته.
mögen	شاید (رسمی و کهنه)	Das mag sein, aber ...	شاید این‌طور باشد، اما ...

حدس درباره گذشته: مدال + مصدر گذشته

برای گذشته از مصدر گذشته استفاده می‌کنیم: haben/sein + Partizip II

Sie **muss** den Termin **vergessen haben**.

حتماً وقت را فراموش کرده است.

Der Täter **soll** ins Ausland **geflohen sein**.

گفته می‌شود مقصر به خارج فرار کرده است.

Er **will** die Arbeit allein **geschrieben haben**.

ادعا می‌کند کار را تنهایی نوشته است.

! **wollen یا sollen** ؟

sollen = دیگران می‌گویند. **wollen** = خود شخص ادعا می‌کند و گوینده به آن شک دارد. Er will reich sein × (به معنای

«گفته می‌شود پولدار است».) Er soll reich sein. ✓

💡 نکته

در اخبار به جای **sollen** این عبارتها هم می‌آیند: **angeblich** (ظاهراً، به ادعای دیگران)، **laut Medienberichten**، **Berichten zufolge**.

📝 تمرین ۲ – جمله را با مدال ذهنی بازنویسی کنید.

1. Man sagt, dass die Firma pleite ist. (sollen)
2. Ich bin sicher, dass er den Bus verpasst hat. (müssen)
3. Sie behauptet, dass sie den Unfall nicht gesehen hat. (wollen)
4. Vermutlich sind das ungefähr 50 Leute. (dürfte)

مجهول پیشرفته و جایگزین‌های آن

Passiv und Passiversatzformen

۳

♦ مجهول با فعل مدال در همهٔ زمان‌ها

زمان	ساختار	مثال
Präsens	مدال + PII + werden	Der Vertrag muss unterschrieben werden.
Präteritum	مدال (گذشته) + PII + werden	Der Vertrag musste unterschrieben werden.
Perfekt	مدال + werden + PII + hat	Der Vertrag hat unterschrieben werden müssen.
در جملهٔ وابسته	... + PII + werden + مدال	..., weil der Vertrag unterschrieben werden muss.

💡 نکته

در **Perfekt** با مدال، سه فعل آخر جمله می‌آیند (دو مصدر پشت سر هم) و فعل کمکی همیشه **haben** است. در گفتار بیشتر از **Präteritum** استفاده کنید: **Der Vertrag musste unterschrieben werden**. ساده‌تر و طبیعی‌تر است.

◆ مجهول بدون فاعل (unpersönliches Passiv)

وقتی فعل مفعول ندارد، جمله با es شروع می‌شود یا با یک قید؛ es در جایگاه اول فقط نقش پرکننده دارد:

Es wird hier nicht geraucht. = Hier wird nicht geraucht.

این‌جا سیگار کشیده نمی‌شود.

Am Wochenende wurde viel gefeiert.

آخر هفته کلی جشن گرفته شد.

◆ پنج جایگزین مجهول (Passiversatz)

در متن‌های B2 به جای werden + PlI از این ساختارها هم استفاده می‌شود. تشخیص و ساختن آن‌ها در آزمون مهم است:

ساختار	معنی	مثال	معادل مجهول
sein + zu + Inf.	قابل ... است / باید ... شود	Das Formular ist bis Montag abzugeben.	... muss abgegeben werden.
sich lassen + Inf.	می‌شود ... کرد	Das Problem lässt sich leicht lösen.	... kann gelöst werden.
صفت با -bar / -lich	قابل ...	/ Die Aufgabe ist lösbar. Das ist unverständlich.	... kann gelöst werden.
man	کسی، آدم	Man hat die Straße gesperrt.	Die Straße wurde gesperrt.
فعل‌هایی مثل finden, erfahren, bekommen	معنای مجهول دارند	/ Die Idee fand große Zustimmung. Er bekam einen Preis verliehen.	... wurde zugestimmt.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

ساختار sein + zu بسیار شبیه فارسی «... می‌است» یا «باید ... شود» است: Die Rechnung ist sofort zu bezahlen. یعنی «صورت‌حساب فوراً پرداختنی است / باید فوراً پرداخت شود».

⚠️ اشتباه رایج

sein + zu بسته به متن دو معنی دارد: اجبار (Die Gebühr ist zu zahlen = باید پرداخت شود) یا امکان (Das ist nicht zu ändern = قابل تغییر نیست). از متن معنی را حدس بزنید.

👉 تمرین ۳ – جمله را با جایگزین مجهول داخل پرانتز بازنویسی کنید.

1. Der Antrag muss bis Freitag eingereicht werden. (sein + zu)
2. Das Fenster kann nicht geöffnet werden. (sich lassen)
3. Dieser Fehler kann vermieden werden. (-bar)
4. Die Wohnung muss renoviert werden. (Perfekt Passiv mit müssen)

وجه التزامی اول و نقل قول غیرمستقیم

Konjunktiv I und indirekte Rede

۴

Konjunktiv I تقریباً فقط یک کاربرد دارد: نقل قول غیرمستقیم در خبر، گزارش و متن‌های رسمی. با آن، گوینده نشان می‌دهد این حرف خودش نیست و فقط آن را بازگو می‌کند.

♦ ساخت Konjunktiv I

ریشه مصدر + پایانه‌های -e, -est, -en, -et, -en. در عمل مهم‌ترین شکل، سوم شخص مفرد است:

مصدر	er/sie/es	sie (جمع)
sein	er sei	sie seien
haben	er habe	sie hätten (Konj. II)
werden	er werde	sie würden (Konj. II)
können	er könne	sie könnten
müssen	er müsse	sie müssten
wissen	er wisse	sie wüssten
kommen	er komme	sie kämen / würden kommen
gehen	er gehe	sie gingen / würden gehen

🧠 قانون جایگزینی

اگر شکل I Konjunktiv با زمان حال معمولی یکی باشد (مثل sie haben)، از Konjunktiv II استفاده کنید. اگر آن هم با گذشته ساده یکی بود، würde + Inf. بگذارید. برای همین در جمع و اول شخص اغلب Konjunktiv II می‌بینید.

♦ زمان‌ها در نقل قول غیرمستقیم

نقل قول مستقیم	نقل قول غیرمستقیم
Ich bin müde.	Er sagt, er sei müde.
Ich war krank. / Ich bin krank gewesen.	Er sagt, er sei krank gewesen.
Ich habe keine Zeit gehabt.	Er sagt, er habe keine Zeit gehabt.

نقل قول مستقیم	نقل قول غیرمستقیم
Ich werde kommen.	Er sagt, er werde kommen.
Kommen Sie morgen! (امر)	Er sagt, ich solle morgen kommen. / ..., ich möge ... (مؤدبانه)
Haben Sie Zeit? (سؤال)	Er fragt, ob ich Zeit hätte .

نکته

همه گذشته‌ها (Präteritum, Perfekt, Plusquamperfekt) در نقل قول غیرمستقیم فقط یک شکل دارند:
 .habe/sei + Partizip II

ویژه فارسی‌زبان‌ها

فارسی برای نقل قول ساختار جداگانه‌ای ندارد و فقط می‌گوییم «گفت که خسته است». در آلمانی گفتاری هم مردم معمولاً می‌گویند *Er sagt, dass er müde ist*. اما در اخبار و متن رسمی باید *Konjunktiv I* را بشناسید، چون فقط با آن می‌فهمید نویسنده ادعایی را بازگو می‌کند، نه تأیید.

تمرین ۴ – به نقل قول غیرمستقیم ببرید.

1. Die Ministerin sagt: „Die Lage ist stabil.“
2. Der Sprecher erklärt: „Wir haben alle Fragen beantwortet.“
3. Der Zeuge sagt: „Ich habe nichts gesehen.“
4. Die Ärztin sagt zu mir: „Bleiben Sie zwei Tage im Bett!“

Konjunktiv II پیشرفته

Konjunktiv II: Vergangenheit, Modalverben, als ob

۵

گذشته با فعل مدال: دو مصدر در آخر

برای پشیمانی یا انتقاد درباره گذشته: *hätte* + مصدر + مصدر مدال

Ich **hätte** früher **anfangen sollen**.

باید زودتر شروع می‌کردم.

Du **hättest** mich **anrufen können**.

می‌توانستی به من زنگ بزنی.

Wir **hätten** das nicht **machen dürfen**.

نباید این کار را می‌کردیم.

⚠ اشتباه رایج

در جمله وابسته، hätte قبل از دو مصدر می‌آید، نه در آخر: ... , dass ich früher hätte anfangen sollen. × ... , dass ich früher anfangen sollen hätte.

♦ مقایسه غیر واقعی: als ob / als wenn / als

ساختار	مثال	ترجمه
als ob + فعل آخر	Er tut so, als ob er alles wüsste.	طوری رفتار می‌کند انگار همه چیز را می‌داند.
als wenn + فعل آخر	Sie sieht aus, als wenn sie krank wäre.	طوری به نظر می‌رسد انگار مریض است.
als + فعل بلافاصله	Er tut so, als wüsste er alles.	(همان معنی، رسمی‌تر)
گذشته	Er redet, als ob nichts passiert wäre.	طوری حرف می‌زند انگار هیچ اتفاقی نیفتاده.

♦ نتیجه غیر ممکن: zu ..., als dass

Das Wetter war zu schlecht, als dass wir hätten wandern können.

هوا بدتر از آن بود که بتوانیم کوه برویم.

♦ شرط بدون wenn

در نوشتار رسمی می‌توان wenn را حذف کرد و فعل را اول جمله گذاشت:

Hätte ich mehr Zeit gehabt, wäre ich mitgekommen.

اگر وقت بیشتری داشتم، همراهتان آمده بودم.

Sollten Sie Fragen haben, rufen Sie uns an.

در صورتی که سؤالی داشتید، با ما تماس بگیرید.

🎯 نکته آزمون

جمله ... Sollten Sie Fragen haben, یکی از بهترین جمله‌های پایانی برای Schreiben Teil 2 (نامه رسمی) است.

👉 تمرین ۵ – با Konjunktiv II کامل کنید.

1. Ich habe nicht gelernt. → Ich _____ mehr _____. (lernen – sollen)
2. Er ist nicht krank, aber er tut so, als ob er krank _____.
3. Sie hat nicht angerufen. → Sie _____ wenigstens _____. (anrufen – können)
4. Der Koffer war zu schwer, als dass ich ihn allein _____ tragen _____.

در متن‌های رسمی و علمی، آلمانی‌ها به‌جای جملهٔ موصولی، کل توضیح را **قبل از اسم** می‌گذارند. این ساختار سخت‌ترین مانع خواندن متن‌های B2 است، اما با یک روش ساده باز می‌شود.

ساخت	معنی	مثال
Partizip I مصدر + d	معلوم، هم‌زمان (در حال ...)	das weinende Kind (بچه‌ای که گریه می‌کند)
Partizip II ge-...-t/-en	مجهول یا تمام‌شده	das reparierte Auto (ماشینی که تعمیر شده)
zu + Partizip I d + مصدر + zu	باید/قابل ... شدن	die zu lösende Aufgabe (تکلیفی که باید حل شود)

روش باز کردن ساختار گسترده

- حرف تعریف را پیدا کنید و بعد اسمی را که به آن تعلق دارد (معمولاً بعد از Partizip است).
- همه‌چیز بین حرف تعریف و اسم، یک توضیح است.
- آن را به جملهٔ موصولی تبدیل کنید: Partizip I ← معلوم، Partizip II ← مجهول یا Perfekt.

ساختار گسترده	جملهٔ موصولی معادل
die seit Jahren steigenden Mieten	die Mieten, die seit Jahren steigen
das von der Regierung beschlossene Gesetz	das Gesetz, das von der Regierung beschlossen wurde
die im letzten Jahr nach Deutschland gekommenen Fachkräfte	die Fachkräfte, die im letzten Jahr nach Deutschland gekommen sind
die bis Freitag abzugebenden Unterlagen	die Unterlagen, die bis Freitag abgegeben werden müssen

ویژهٔ فارسی‌زبان‌ها

در فارسی توضیح بعد از اسم می‌آید («قانونی که دولت تصویب کرد»)، ولی در این ساختار آلمانی توضیح **قبل از اسم** است. وقتی جملهٔ طولانی‌ای دیدید که بعد از **die** یا **das** چند کلمه آمده و هنوز اسمی نرسیده، احتمالاً با Partizipialattribut سروکار دارید.

نکته

Partizip مثل هر صفتی پایانه می‌گیرد: **ein gut bezahlter Job, die steigenden Preise**.

تمرین ۶ – به جملهٔ موصولی تبدیل کنید.

- die schnell wachsende Stadt
- der gestern gelieferte Schrank
- die von vielen Studenten besuchte Vorlesung
- das noch zu prüfende Angebot

سبک اسمی: تبدیل جمله به گروه اسمی

Nominalisierung und Verbalisierung

۷

متن‌های رسمی، جمله را از حالت اسمی دربیابید، و برای نوشتن نامه رسمی، گاهی جمله را اسمی کنید. **Weil es stark regnete** می‌نویسند **Wegen des starken Regens**. در B2 باید بتوانید در هر دو جهت تبدیل کنید: برای فهم متن‌های رسمی، جمله را از حالت اسمی دربیابید، و برای نوشتن نامه رسمی، گاهی جمله را اسمی کنید.

معنی	حرف ربط (فعلی)	حرف اضافه (اسمی)	مثال
علت	weil / da	wegen / aufgrund + Gen.	Weil es stark regnete, ... → Wegen des starken Regens ...
تضاد	obwohl	trotz + Gen.	Obwohl er krank war, ... → Trotz seiner Krankheit ...
شرط	wenn / falls	bei / im Falle + Dat./Gen.	Wenn es regnet, ... → Bei Regen ...
هدف	damit / um ... zu	zu / für + Dat./Akk.	..., um sich zu erholen → ... zur Erholung
هم‌زمانی	als / während / wenn	bei / während	Als er ankam, ... → Bei seiner Ankunft ...
بعد از	nachdem	nach + Dat.	Nachdem er das Studium beendet hatte, ... → Nach Beendigung des Studiums ...
قبل از	bevor	vor + Dat.	Bevor wir abfahren, ... → Vor unserer Abfahrt ...
روش	indem	durch + Akk.	Indem man Sport treibt, ... → Durch Sport ...
نتیجه	sodass	infolge + Gen.	..., sodass die Straße gesperrt wurde → Infolge des Unfalls ...
مدت	seit(dem)	seit + Dat.	Seitdem er umgezogen ist, ... → Seit seinem Umzug ...

◆ قواعد تبدیل

جمله فعلی	گروه اسمی	قاعده
Die Preise steigen.	der Anstieg der Preise	فاعل – Genitiv
Man repariert das Auto.	die Reparatur des Autos	مفعول – Genitiv
Er kommt pünktlich an.	seine pünktliche Ankunft	ضمیر – ضمیر ملکی، قید – صفت
Sie entscheidet sich für das Studium.	ihre Entscheidung für das Studium	حرف اضافه فعل حفظ می‌شود

◆ اسم‌سازی پرکاربرد از فعل

فعل	اسم	فعل	اسم
ankommen	die Ankunft	abfahren	die Abfahrt
entscheiden	die Entscheidung	beginnen	der Beginn
steigen	der Anstieg	sinken	der Rückgang
teilnehmen	die Teilnahme	verlieren	der Verlust

اسم	فعل	اسم	فعل
der Tod	sterben	der Flug	fliegen
das Wachstum	wachsen	die Erhöhung	erhöhen
die Bewerbung	bewerben	die Lösung	lösen
der Umzug	umziehen	die Schließung / der Schluss	schließen

نکته

سبک اسمی زیاد هم خوب نیست. در 1 Schreiben Teil (فرم) جمله‌های فعلی طبیعی‌ترند؛ سبک اسمی را برای 2 Schreiben Teil (نامه رسمی) و جمله‌های کلیدی نگه دارید.

تمرین ۷ – جمله وابسته را به گروه اسمی تبدیل کنید.

1. Weil das Wetter schlecht war, fiel das Konzert aus. (wegen)
2. Obwohl die Preise hoch sind, kaufen viele Leute ein. (trotz)
3. Nachdem er das Studium abgeschlossen hatte, zog er nach Berlin. (nach)
4. Indem man regelmäßig liest, verbessert man seinen Wortschatz. (durch)

حروف ربط سطح B2

Konnektoren auf B2-Niveau

۸

در B2 دیگر **weil** و **aber** کافی نیست. ممتحن به تنوع و دقت کلمات ربط نمره می‌دهد. این جدول بر اساس معنی مرتب شده و جای فعل هم مشخص است (آخر = فعل آخر جمله، ۱ = فعل بعد از کلمه ربط، ۰ = ترتیب عادی).

معنی	کلمه	جای فعل	مثال
تضاد (با این‌که)	obwohl, obgleich	آخر	Obgleich er müde war, arbeitete er weiter.
	trotzdem, dennoch	۱	Es war spät, dennoch rief er an.
	zwar ... aber	–	Das Angebot ist zwar teuer, aber gut.
تقابل (در حالی که)	während, wohingegen	آخر	Er liebt Kaffee, während sie Tee bevorzugt.
	jedoch, dagegen	۱ یا ۰	Sie ist ruhig, ihr Bruder dagegen ist laut.
نتیجه	sodass / so ..., dass	آخر	Er sprach so schnell, dass ich nichts verstand.
	folglich, infolgedessen, daher	۱	Es gab einen Unfall, folglich war die Straße gesperrt.
روش (با ... کردن)	indem, dadurch dass	آخر	Man lernt schneller, indem man jeden Tag übt.
شرط	falls, sofern, vorausgesetzt, dass	آخر	Sofern es nicht regnet, grillen wir.

معنی	کلمه	جای فعل	مثال
جایگزین	(an)statt dass / statt ... zu	آخر	Statt zu klagen, sollte er handeln.
زمان	sobald, solange, sooft	آخر	Solange du Fieber hast, bleibst du zu Hause.
افزایش	۱ zudem, darüber hinaus, außerdem		Die Wohnung ist zentral. Zudem ist sie günstig.

♦ حروف ربط دوبخشی (مرور و تکمیل)

ساختار	معنی	مثال
je ... desto / umso	هر چه ... بیشتر	Je länger ich in Deutschland lebe, umso besser verstehe ich die Kultur.
einerseits ... andererseits	از یک طرف ... از طرف دیگر	Einerseits ist das Leben teuer, andererseits verdient man gut.
nicht nur ... sondern auch	نه تنها ... بلکه	Sie ist nicht nur Ärztin, sondern auch Musikerin.
weder ... noch	نه ... و نه	Er hat weder angerufen noch geschrieben.
entweder ... oder	یا ... یا	Entweder wir finden heute eine Lösung, oder das Projekt scheitert.

⚠ während: دو معنی

während هم زمانی است (در حالی که/وقتی که) و هم تقابلی (در حالی که برعکس). ... Während ich koche, ... (همزمان) → zht.

🎯 نکته آزمون

سه کلمه ربط رسمی که متن شما را فوراً به سطح B2 می‌برند: **infolgedessen** و **dennoch**، **zudem**. در هر نوشته دست‌کم دوتا از آن‌ها را به کار ببرید.

📝 تمرین ۸ – کلمه ربط مناسب را انتخاب کنید: **indem – sofern – dennoch – wohingegen – sodass**

1. Die Straße war glatt, _____ es viele Unfälle gab.
2. Man kann Energie sparen, _____ man das Licht ausschaltet.
3. Das Hotel war teuer, _____ waren wir nicht zufrieden.
4. Ich komme gern mit, _____ ich rechtzeitig fertig werde.
5. In der Stadt sind die Mieten hoch, _____ sie auf dem Land niedrig sind.

حروف اضافه سطح B2

Präpositionen mit Genitiv und besondere Präpositionen

زبان رسمی پر از حروف اضافه‌ای است که با **Genitiv** می‌آیند. این‌ها را در نامه‌ها، اخبار و متن‌های بخش خواندن مدام می‌بینید.

حرف اضافه	معنی	مثال
angesichts	با توجه به، در برابر	Angesichts der hohen Kosten wurde das Projekt gestoppt.
hinsichtlich / bezüglich	در خصوص	Bezüglich Ihrer Anfrage teilen wir Ihnen mit, ...
infolge	در نتیجه	Infolge des Sturms fielen viele Züge aus.
anlässlich	به مناسبت	Anlässlich seines Geburtstags gab es ein Fest.
mithilfe / mittels	به کمک	Mithilfe einer App lernt sie Vokabeln.
innerhalb / außerhalb	درون / بیرون	innerhalb zweier Wochen / Innerhalb von zwei Wochen
oberhalb / unterhalb	بالا / پایین	Unterhalb des Gipfels liegt eine Hütte.
zugunsten / zulasten	به نفع / به ضرر	Die Entscheidung fiel zugunsten der Mieter.
anstelle	به جای	Anstelle des Chefs kam seine Stellvertreterin.
ungeachtet	بدون توجه به	Ungeachtet aller Warnungen fuhr er weiter.

♦ حروف اضافه ویژه با Dativ

حرف اضافه	نکته	مثال
laut	طبق (منبع)	Laut dem Wetterbericht wird es regnen.
gemäß	مطابق (قانون، قرارداد)؛ می‌تواند بعد از اسم بیاید	dem Vertrag gemäß / Gemäß § 5 des Vertrags ...
zufolge	به گزارش؛ بعد از اسم می‌آید	Dem Bericht zufolge ist die Zahl gestiegen.
entgegen	برخلاف	Entgegen allen Erwartungen gewann das Team.
gegenüber	در برابر، نسبت به؛ اغلب بعد از ضمیر	Er war mir gegenüber sehr freundlich.

نکته 💡

zufolge و گاهی gemäß و gegenüber بعد از اسم می‌آیند. این ترتیب برای فارسی‌زبان‌ها عجیب است، پس در خواندن حواستان باشد: ... Den Experten zufolge = به گفته کارشناسان.

👉 تمرین ۹ – حرف اضافه مناسب را بنویسید: **angesichts – zufolge – mithilfe – anlässlich**

- _____ der Krise müssen alle sparen.
- Einer neuen Studie _____ schlafen Jugendliche zu wenig.
- _____ eines Wörterbuchs hat er den Brief übersetzt.
- _____ des Jubiläums lädt die Firma alle Mitarbeiter ein.

wer و was بدون اسم مرجع

وقتی اسمی وجود ندارد که جمله موصولی به آن برگردد، از wer (برای اشخاص، «هر کس که») و was (برای چیزها، «هر چه که») استفاده می‌کنیم:

Wer viel liest, (**der**) schreibt besser.

هر کس زیاد بخواند، بهتر می‌نویسد.

Wem das nicht gefällt, **der** kann gehen.

هر کس از این خوشش نمی‌آید، می‌تواند برود.

Was du heute kannst besorgen, das verschiebe nicht auf morgen.

کار امروز را به فردا می‌فکن.

was بعد از کل جمله و بعد از کلمات خاص

کاربرد	مثال
اشاره به کل جمله قبل	Er hat die Prüfung bestanden, was mich sehr freut.
بعد از alles, nichts, etwas, vieles, manches, das	Das ist alles, was ich weiß.
بعد از صفت عالی خنثی	Das ist das Beste, was mir passiert ist.

wo(r) + حرف اضافه

وقتی was با فعلی حرف اضافه‌دار می‌آید، به حرف اضافه wo(r) - تبدیل می‌شود:

Das ist etwas, **worüber** ich lange nachgedacht habe.

این چیزی است که مدت‌ها درباره‌اش فکر کرده‌ام. (nachdenken über)

Er hat sich entschuldigt, **worauf** ich lange gewartet hatte.

عذرخواهی کرد، چیزی که مدت‌ها منتظرش بودم. (warten auf)

Genitiv + حرف اضافه و Genitiv

Die Autorin, **deren** Roman verfilmt wurde, lebt in Wien.

نویسنده‌ای که از رمانش فیلم ساخته شد، در وین زندگی می‌کند.

Das ist der Kollege, **mit dessen** Hilfe ich die Stelle bekommen habe.

این همکاری است که به کمک او این شغل را گرفتم.

بعد از dessen/deren، اسم بدون حرف تعریف می‌آید و صفتش پایانه قوی می‌گیرد:
(dessen das neue Auto) der Mann, dessen neues Auto ...

تمرین ۱۰ – wer, was, worüber یا deren؟

- _____ zu spät kommt, muss draußen warten.
- Sie hat mir in der schweren Zeit geholfen, _____ ich nie vergessen werde.
- Das ist das Thema, _____ wir gestern diskutiert haben.
- Die Studentinnen, _____ Arbeiten am besten waren, bekommen einen Preis.

ساختارهای مصدری پیشرفته

Infinitivkonstruktionen: Perfekt und Passiv

۱۱

مصدر با zu فقط زمان حال ندارد. در B2 باید مصدر گذشته و مصدر مجهول را هم بسازید.

نوع	ساخت	مثال	ترجمه
مصدر حال (معلوم)	zu + Inf	Ich hoffe, dich bald zu sehen.	امیدوارم به زودی ببینمت.
مصدر گذشته (معلوم)	PII + zu + haben/sein	Ich freue mich, Sie kennengelernt zu haben.	خوشحالم که با شما آشنا شدم.
مصدر حال (مجهول)	PII + zu + werden	Er hofft, zum Gespräch eingeladen zu werden.	امیدوار است به مصاحبه دعوت شود.
مصدر گذشته (مجهول)	PII + worden + zu + sein	Sie ist froh, ausgewählt worden zu sein.	خوشحال است که انتخاب شده.

کی مصدر گذشته؟

وقتی کار مصدر قبل از فعل اصلی اتفاق افتاده باشد: Er behauptet, das Geld nicht genommen zu haben. (ادعا می‌کند پول را برنداشته) – برداشتن، قبل از ادعا کردن است.

مصدر یا جمله dass؟

وقتی فاعل دو جمله یکی است، مصدر طبیعی‌تر است. اگر فاعل‌ها فرق دارند، فقط dass درست است:

Ich bedaure, dass ich dich verletzt habe. → Ich bedaure, dich **verletzt zu haben**.

متأسفم که دلت را شکستم. (فاعل یکی ← هر دو درست)

Ich bedaure, **dass du** so lange warten musstest.

متأسفم که مجبور شدی این‌قدر منتظر بمانی. (فاعل‌ها فرق دارند ← فقط dass)

⚠ اشتباه رایج

مصدر گذشته همراه با فعل مدال (مثلاً «نتوانسته باشم بیایم») حتی برای آلمانی‌زبان‌ها سنگین و دردرساز است. در این موارد همیشه از جملهٔ **dass** استفاده کنید: **Ich bedaure, dass ich nicht kommen konnte.**

📌 تمرین ۱۱ – مصدر گذشته یا مجهول بسازید.

1. Ich bin froh, dass ich die Prüfung bestanden habe. → Ich bin froh, ...
2. Er hofft, dass man ihn befördert. → Er hofft, ...
3. Sie behauptet, dass sie nichts gewusst hat. → Sie behauptet, ...
4. Wir sind stolz, dass wir ausgezeichnet worden sind. → Wir sind stolz, ...

ادات وجهی: روح زبان گفتاری

۱۲

Modalpartikeln: doch, ja, mal, eben, halt, denn, wohl, schon

کلمات کوچکی مثل **doch, ja, mal** معنای واژگانی ندارند، ولی **لحن** جمله را عوض می‌کنند: دوستانه‌تر، مؤکدتر، متعجب‌تر یا آرام‌تر. آلمانی‌زبان‌ها مدام از آن‌ها استفاده می‌کنند و بدون آن‌ها زبان شما رباتی به نظر می‌رسد.

ادات	کارکرد	مثال	حس فارسی
doch	تأکید، یادآوری، اصرار دوستانه	Das weißt du doch! / Komm doch mit!	بیا دیگه! / خودت که می‌دونی!
ja	چیز بدیهی یا تعجب	Du weißt ja, wie er ist. / Das ist ja toll!	چه عالی! / خودت که می‌دونی چه جوریه.
mal	نرم کردن خواهش	Kannst du mal kommen?	یه لحظه میای؟
denn	سؤال دوستانه یا کنجکاو	Was ist denn los?	حالا چی شده؟
eben / halt	پذیرش واقعیت (چه می‌شه کرد)	Dann musst du halt warten. / Das ist eben so.	خب دیگه همینه. / خب باید صبر کنی دیگه.
wohl	حدس	Er ist wohl schon weg.	احتمالاً رفته.
schon	اطمینان دادن، تأیید با تردید	/ Das schaffst du schon! Das stimmt schon, aber ...	از پیشش برمیای! / درسته، ولی ...
eigentlich	تغییر موضوع مؤدبانه، واقعیت	Wie heißt du eigentlich?	راستی اسمت چیه؟
ruhig	اجازهٔ دوستانه	Du kannst ruhig später kommen.	راحت باش، دیرتر هم بیای اشکال نداره.

🇮🇷 ویژه فارسی‌زبان‌ها

فارسی هم ادات وجهی خودش را دارد: «دیگه»، «که»، «حالا»، «ها»، «خب». وقتی جمله‌ای آلمانی را با **doch** یا **halt** می‌شنوید، از خودتان بپرسید «اگر فارسی بود کدام «دیگه» یا «خب» را می‌گذاشتم؟» تا حسش را بگیرید.

ادات وجهی مخصوص گفتار و ایمیل دوستانه‌اند. در نامه رسمی و متن علمی تقریباً هیچ‌وقت از **halt**، **mal** یا **ja** استفاده نکنید.

📌 تمرین ۱۲ – ادات مناسب را بنویسید: **halt – denn – mal – doch**

1. Wo warst du _____ so lange?
2. Kannst du mir _____ kurz helfen?
3. Das ist _____ ganz einfach, das weißt du _____!
4. Der Zug ist weg. Dann nehmen wir _____ den nächsten.

ساخت واژه: یک ریشه، ده کلمه

۱۳

Wortbildung: Präfixe und Suffixe

با شناخت پسوندها و پیشوندها می‌توانید جنس اسم‌ها را حدس بزنید و معنی کلمه‌های ناآشنا را در متن پیدا کنید. این مهارت در بخش خواندن B2 طلاست.

♦ پسوندهای اسم و جنس آن‌ها

پسوند	جنس	معنی/کاربرد	مثال
-ung	die	اسم از فعل	die Entscheidung, die Wohnung
-heit / -keit	die	اسم از صفت	die Freiheit, die Möglichkeit
-schaft	die	گروه، حالت	die Gesellschaft, die Freundschaft
-ion / -tät / -ik	die	کلمات لاتین	die Situation, die Qualität, die Politik
-ismus / -ling / -er	der	مکتب، شخص، ابزار	der Tourismus, der Lehrling, der Rechner
-chen / -lein	das	تصغیر	das Mädchen, das Häuschen
-ment / -um	das	کلمات لاتین	das Dokument, das Zentrum
-nis	die/das	نتیجه، حالت	die Erlaubnis, das Ergebnis

🧠 ترفند حفظ کردن

قانون طلایی جنس: هر اسمی که به **-ung, -heit, -keit, -schaft, -ion, -tät** ختم شود، بدون استثنا مؤنث است. همین یک قانون صدها کلمه را برایتان حل می‌کند.

♦ پسوندهای صفت

پسوند	معنی	مثال
-bar	قابل	machbar, essbar, erreichbar

پیشوند	معنی	مثال
-los	بی، بدون	arbeitslos, hoffnungslos, kostenlos
-voll / -reich	پر از	wertvoll, erfolgreich, hilfreich
-lich	مربوط به، دارای ویژگی	beruflich, freundlich, verständlich
-ig	دارای	lustig, wichtig, neugierig
-haft / -sam	شبیه، تمایل به	fehlerhaft, sparsam, einsam
un-	نا، غیر	unmöglich, unklar, unabhängig

♦ پیشوندهای فعل جانشدنی و معنی آنها

پیشوند	معنی معمول	مثال
ver-	تغییر، اشتباه، تمام شدن	verkaufen, sich verlaufen (گم شدن), verbrauchen
be-	فعل را متعدی می کند	antworten auf → beantworten
er-	به نتیجه رسیدن	erreichen, erfinden, erkämpfen
ent-	جدا شدن، برداشتن	entfernen, entlassen, entdecken
zer-	خرد کردن، از بین بردن	zerstören, zerbrechen
miss-	بد، اشتباه	missverstehen, misslingen

👉 تمرین ۱۳ – جنس را بنویسید یا کلمه بسازید.

1. ___ Wissenschaft ___ Ergebnis ___ Tourismus ___ Gesundheit
2. kein Ende → endl___ man kann es trinken → trink___
3. Er hat sich in der Stadt _____laufen. (گم شد)
4. Das Missverständnis kommt vom Verb _____.

پیشوندهای دوگانه: جداشتنی یا جانشدنی؟

۱۴

Verben mit wechselnden Präfixen: durch-, über-, um-, unter-, wieder-

پیشوندهای durch-, über-, um-, unter-, wieder-, wider- گاهی جداشتنی و گاهی جانشدنی اند و معنی فعل با آن عوض می شود. قانون کلی: معنی فیزیکی و تحت اللفظی ← معمولاً جداشتنی و تکیه روی پیشوند؛ معنی مجازی ← جانشدنی و تکیه روی فعل.

فعل	جداشتنی (تکیه روی پیشوند)	جانشدنی (تکیه روی فعل)
übersetzen	Der Fährmann setzt uns ans andere Ufer über . (بردن)	Sie übersetzt den Text ins Deutsche. (ترجمه کردن)

فعل	جداشدنی (تکیه روی پیشوند)	جداشدنی (تکیه روی فعل)
umfahren	Er fährt das Schild um . (زیر گرفتن)	Wir umfahren den Stau. (دور زدن)
wiederholen	Er holt den Ball wieder . (پس آوردن)	Bitte wiederholen Sie den Satz. (تکرار کردن)
unterhalten	Er hält den Eimer unter . (زیرش گرفتن)	Wir unterhalten uns. (گپ زدن)
durchschauen	Er schaut durch das Fernrohr durch . (نگاه کردن از درون)	Ich durchschaue deinen Plan. (دست کسی را خواندن)
überlegen	Sie legt eine Decke über . (رویش انداختن)	Ich überlege noch. (فکر کردن)

نکته

در Perfekt فرق واضح است: جداشدنی ← übergesetzt, umgefahren؛ جداشدنی ← übersetzt, umfahren. (بدون -ge)

◆ فعل‌های پرکاربرد B2 با پیشوند جداشدنی

überzeugen (متقاعد کردن)، übernehmen (به عهده گرفتن)، überraschen (غافلگیر کردن)، unterstützen (حمایت کردن)، unterbrechen (حرف کسی را قطع کردن)، unterscheiden (تشخیص دادن)، widersprechen (مخالفت کردن)، umgeben (احاطه کردن)، durchsetzen → جداشدنی: sich durchsetzen (حرف خود را به کرسی نشاندن).

تمرین ۱۴ – Perfekt را بنویسید.

- Sie übersetzt das Buch. → Sie hat das Buch _____.
- Er fährt den Baum um. → Er hat den Baum _____.
- Der Chef unterbricht mich. → Der Chef hat mich _____.
- Wir wiederholen die Übung. → Wir haben die Übung _____.

صفت‌ها و صفت‌های فعلی در نقش اسم

۱۵

Nominalisierte Adjektive und Partizipien

در آلمانی می‌توان از صفت یا Partizip اسم ساخت: die Reisenden، die Angestellte، der Deutsche. این اسم‌ها با حرف بزرگ نوشته می‌شوند ولی مثل صفت صرف می‌شوند.

جمع	با حرف تعریف نامعین	با حرف تعریف معین	
die Deutschen / Deutsche	ein Deutscher	der Deutsche	مرد
	eine Deutsche	die Deutsche	زن
	einen Deutschen	den Deutschen	Akk. مرد
den Deutschen	einem / einer Deutschen	dem / der Deutschen	.Dat

کلمات پرکاربرد این گروه (همه مثل صفت صرف می‌شوند):

مذکر / مؤنث	معنی	مذکر / مؤنث	معنی
der/die Angestellte	کارمند	der/die Erwachsene	بزرگسال
der/die Bekannte	آشنا	der/die Verwandte	خویشاوند
der/die Jugendliche	نوجوان	der/die Arbeitslose	فرد بیکار
der/die Reisende	مسافر	der/die Vorsitzende	رئیس (هیئت، حزب)
der Beamte / ein Beamter	کارمند دولت (مرد)	die Beamtin	کارمند دولت (زن) – استثنا!

♦ مفاهیم انتزاعی خنثی

Ich wünsche dir **alles Gute**!

بهترین‌ها را برایت آرزو می‌کنم!

Das **Wichtigste** ist die Gesundheit.

مهم‌ترین چیز سلامتی است.

Es gibt **nichts Neues**.

خبر تازه‌ای نیست.

💡 نکته

بعد از etwas, nichts, viel, wenig, etwas Schönes, nichts Besonderes. ولی
بعد از alles e- پایانه است: alles Gute.

♦ مرور n-Deklination با کلمات B2

Akkusativ / Dativ	Nominativ	Akkusativ / Dativ	Nominativ
den / dem Kandidaten	der Kandidat	den / dem Experten	der Experte
den / dem Biologen	der Biologe	den / dem Kollegen	der Kollege
den / dem Absolventen	der Absolvent	den / dem Demonstranten	der Demonstrant

دو استثنای مهم که در Genitiv علاوه بر n-یک s- هم می‌گیرند: der Name → des Namens و der Gedanke → des Gedankens.

👉 تمرین ۱۵ – پایانه درست را بنویسید.

1. Mein Nachbar ist ein Deutsch___.
2. Die Firma sucht neue Angestellt___.
3. Ich habe dem Beamt___ das Formular gegeben.
4. Hast du etwas Neu___ gehört?

سه نقش es

نقش	مثال	توضیح
فاعل ظاهری (ثابت)	Es regnet. / Es geht mir gut. / Es gibt viele Probleme.	همیشه می‌ماند
اشاره به جمله بعدی	Es freut mich, dass du kommst. → Mich freut, dass du kommst.	اگر جمله‌ی وابسته اول بیاید یا چیز دیگری جایگاه اول را بگیرد، es حذف می‌شود
پرکننده جایگاه اول	Es kamen viele Gäste. → Viele Gäste kamen.	فقط در جایگاه اول؛ فعل با فاعل اصلی مطابقت دارد

جایگاه اول (Vorfeld) برای تأکید و انسجام

در آلمانی هر جزئی می‌تواند به جایگاه اول بیاید تا تأکید شود یا متن را به جمله قبل وصل کند. متن‌هایی که همه جمله‌هایشان با فاعل شروع می‌شوند، یکنواخت و سطح پایین به نظر می‌رسند.

Ich habe **dieses Buch** schon gelesen. → **Dieses Buch** habe ich schon gelesen.

این کتاب را (یکی‌اش را) قبلاً خوانده‌ام. (تأکید)

Viele Studenten wohnen in WGs. **Das** hat vor allem finanzielle Gründe.

بسیاری از دانشجویها در خانه‌های اشتراکی زندگی می‌کنند. این بیشتر دلایل مالی دارد. (اتصال)

جایگاه آخر (Nachfeld)

بعضی اجزا معمولاً بعد از فعل آخر جمله می‌آیند تا جمله سنگین نشود: مقایسه با als/wie و گروه‌های طولانی.

Er hat mehr gearbeitet **als ich**.

او بیشتر از من کار کرده است.

Wir haben lange diskutiert **über die Vor- und Nachteile des neuen Gesetzes**.

مدتها درباره مزایا و معایب قانون جدید بحث کردیم. (گفتاری)

نکته آزمون

در 1 Schreiben Teil 1 جمله‌هایتان را با اجزای مختلف شروع کنید: ... Aus diesem Grund ...، ... meiner Meinung nach ...، ... Gerade deshalb ...، ... Dabei ...، ... In meinem Heimatland ... این تنوع مستقیماً روی نمره Kohärenz اثر دارد.

👉 تمرین ۱۶ – جمله را با جزء پررنگ شده شروع کنید.

1. Ich habe **gestern** einen interessanten Artikel gelesen.
2. Wir können **ohne Ihre Hilfe** das Projekt nicht beenden.
3. Es freut mich, dass Sie gekommen sind. (بدون es)
4. Es warteten **viele Leute** vor der Tür. (بدون es)

واژگان موضوعی

Wortschatz nach Themen



۲۱۶ واژه دقیق و پرکاربرد در ۱۲ موضوع اصلی آزمون B2؛ از اقتصاد و سیاست تا دیجیتالی شدن و حقوق. اسمها با حرف تعریف و شکل جمع و فعلها با شکل Präteritum و Perfekt آمده‌اند. حرف اضافه همراه هر کلمه را هم حفظ کنید.



دنیای کار و مسیر شغلی

Arbeitswelt und Karriere

۱

در B2 دیگر فقط «کار پیدا کردن» مطرح نیست؛ باید درباره ترفیع، شرایط کاری، تعادل کار و زندگی و آینده مشاغل بحث کنید.

واژه	معنی	مثال
die Fachkraft -e	نیروی متخصص	Deutschland sucht dringend Fachkräfte in der Pflege.
der Fachkräftemangel	کمبود نیروی متخصص	Der Fachkräftemangel betrifft vor allem das Handwerk.
befördern beförderte – hat befördert	ترفیع دادن	Sie wurde nach zwei Jahren zur Teamleiterin befördert.
die Weiterbildung -en	دوره آموزش تکمیلی	Die Firma bezahlt ihren Mitarbeitern Weiterbildungen.
die Work-Life-Balance	تعادل کار و زندگی	Für junge Menschen ist die Work-Life-Balance besonders wichtig.
die Arbeitsbedingungen Pl.	شرایط کاری	Die Pflegekräfte kämpfen für bessere Arbeitsbedingungen.
der Arbeitsvertrag -e	قرارداد کار	Der Arbeitsvertrag ist zunächst auf ein Jahr befristet.
befristet / unbefristet	موقت / دائم	Endlich habe ich einen unbefristeten Vertrag.
die Probezeit -en	دوره آزمایشی	Die Probezeit dauert sechs Monate.
die Kündigungsfrist -en	مهلت اعلام فسخ	Die Kündigungsfrist beträgt drei Monate.
die Gleitzeit	ساعت کاری شناور	Dank Gleitzeit kann ich meine Kinder morgens zur Schule bringen.

واژه	معنی	مثال
die Gewerkschaft -en	اتحادیه کارگری	Die Gewerkschaft fordert höhere Löhne.
streiken streikte – hat gestreikt	اعتصاب کردن	Die Lokführer streiken seit gestern.
die Führungskraft -e	مدیر، نیروی رهبری	Gute Führungskräfte hören ihren Mitarbeitern zu.
sich spezialisieren (auf + A) spezialisierte sich – hat sich spezialisiert	تخصص گرفتن در	Er hat sich auf Datenanalyse spezialisiert.
die Qualifikation -en	صلاحیت، مدرک	Ihre Qualifikationen passen perfekt zu der Stelle.
der Quereinsteiger -	کسی که از رشته دیگری وارد شغل می‌شود	Viele Quereinsteiger arbeiten heute in der IT.
das Burn-out	فرسودگی شغلی	Zu viel Druck kann zu einem Burn-out führen.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

برای ایرانی‌هایی که با **Blaue Karte EU** یا ویزای کاری مهاجرت می‌کنند، کلمه‌های **Anerkennung** (شناسایی مدرک)، **Arbeitserlaubnis** (اجازه کار) و **Gehaltsgrenze** (حداقل حقوق لازم) بسیار مهم‌اند. شرایط دقیق هر سال تغییر می‌کند؛ همیشه از منبع رسمی چک کنید.



اقتصاد و پول

Wirtschaft und Finanzen

۲

تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و بودجه شخصی؛ واژه‌هایی که برای فهم اخبار و بحث درباره جامعه لازم دارید.

واژه	معنی	مثال
die Inflation	تورم	Die Inflation ist im letzten Jahr deutlich gestiegen.
die Wirtschaftskrise -n	بحران اقتصادی	Viele Firmen haben die Wirtschaftskrise nicht überlebt.
das Wachstum	رشد	Die Regierung erwartet ein Wachstum von zwei Prozent.
der Umsatz -e	فروش، گردش مالی	Der Umsatz des Unternehmens hat sich verdoppelt.
der Gewinn / der Verlust -e / -e	سود / زیان	Im ersten Quartal machte die Firma Verluste.

واژه	معنی	مثال
die Steuer -n	مالیات	Wer mehr verdient, zahlt mehr Steuern.
das Einkommen -	درآمد	Das durchschnittliche Einkommen ist gestiegen.
die Lebenshaltungskosten Pl.	هزینه‌های زندگی	Die Lebenshaltungskosten in München sind sehr hoch.
der Kredit -e	وام	Für das Haus mussten wir einen Kredit aufnehmen.
die Zinsen Pl.	سود بانکی، بهره	Die Zinsen für Kredite sind gestiegen.
investieren (in + A) investierte – hat investiert	سرمایه‌گذاری کردن	Das Land investiert viel in erneuerbare Energien.
das Unternehmen -	شرکت، بنگاه	Das Unternehmen beschäftigt 500 Mitarbeiter.
gründen gründete – hat gegründet	تأسیس کردن	Sie hat mit 25 ihr eigenes Start-up gegründet.
die Konkurrenz	رقابت، رقیبان	Die Konkurrenz auf dem Markt ist groß.
die Nachfrage / das Angebot	تقاضا / عرضه	Wenn die Nachfrage steigt, steigen auch die Preise.
die Währung -en	واحد پول، ارز	Der Euro ist die Währung vieler EU-Länder.
der Wechselkurs -e	نرخ تبادل ارز	Der Wechselkurs schwankt stark.
sparen / verschwenden sparte / verschwendete	پس‌انداز کردن / هدر دادن	Wir sollten weniger Geld verschwenden.

نکته

die Steuer (مالیات) با **das Steuer** (فرمان ماشین) فرق دارد! در آلمانی چند کلمه هستند که فقط با جنس معنی‌شان عوض می‌شود: **der See** (دریاچه) / **die See** (دریا)، **der Band** (جلد کتاب) / **die Band** (گروه موسیقی).



جامعه و سیاست

Gesellschaft und Politik

۳

برای بحث درباره مسائل اجتماعی در آزمون شفاهی باید بتوانید بی‌طرف و دقیق درباره دولت، قانون و مشارکت شهروندان صحبت کنید.

واژه	معنی	مثال
die Gesellschaft -en	جامعه	Die Gesellschaft wird immer älter.
die Regierung -en	دولت	Die Regierung hat ein neues Gesetz vorgeschlagen.
das Gesetz -e	قانون	Das Gesetz tritt im Januar in Kraft.
die Wahl -en	انتخابات	Die Wahlbeteiligung lag bei 75 Prozent.
wählen wählte – hat gewählt	رأی دادن، انتخاب کردن	In Deutschland darf man ab 18 den Bundestag wählen.
die Partei -en	حزب	Keine Partei hat die absolute Mehrheit.
die Demokratie -n	دموکراسی	Pressefreiheit ist ein Grundpfeiler der Demokratie.
die Meinungsfreiheit	آزادی بیان	Die Meinungsfreiheit ist im Grundgesetz geschützt.
die Gleichberechtigung	برابری حقوق	Die Gleichberechtigung von Frauen und Männern ist noch nicht erreicht.
die Armut	فقر	Viele Rentner sind von Armut bedroht.
das Vorurteil -e	پیش‌داوری	Wir müssen Vorurteile gegenüber Fremden abbauen.
die Diskriminierung -en	تبعیض	Diskriminierung am Arbeitsplatz ist verboten.
sich engagieren (für + A) engagierte sich – hat sich engagiert	فعالیت داوطلبانه کردن برای	Sie engagiert sich ehrenamtlich für Obdachlose.
ehrenamtlich	داوطلبانه، افتخاری	Viele Deutsche sind in ihrer Freizeit ehrenamtlich tätig.
der demografische Wandel	تغییر جمعیتی	Der demografische Wandel stellt das Rentensystem vor Probleme.
die Rente -n	حقوق بازنشستگی	Wovon sollen wir im Alter leben, wenn die Rente nicht reicht?
die Bürokratie	بوروکراسی	Viele beklagen die Bürokratie in Deutschland.
die Maßnahme -n	اقدام، تدبیر	Die Stadt hat Maßnahmen gegen Wohnungsnot ergriffen.



موضوعی که برای بسیاری از فارسی‌زبان‌ها شخصی است و در آزمون هم زیاد مطرح می‌شود. این واژه‌ها به شما کمک می‌کنند تجربه‌تان را دقیق و بی‌طرف بیان کنید.

واژه	معنی	مثال
auswandern / einwandern wanderte aus – ist ausgewandert	مهاجرت کردن (از / به)	Meine Eltern sind 2015 nach Kanada ausgewandert.
der Einwanderer / die Einwanderin - / -nen	مهاجر (واردشونده)	Einwanderer bringen neue Ideen ins Land.
die Integration	ادغام، یکپارچگی	Sprache ist der Schlüssel zur Integration.
sich integrieren integrierte sich – hat sich integriert	با جامعه همگام شدن	Er hat sich schnell in die Nachbarschaft integriert.
der Integrationskurs -e	دوره ادغام (زبان و جامعه)	Im Integrationskurs lernt man Deutsch und Landeskunde.
die Herkunft	اصلیت، خاستگاه	Die Herkunft eines Menschen sollte keine Rolle spielen.
die Heimat	وطن، زادگاه	Teheran wird immer meine Heimat bleiben.
die Staatsangehörigkeit -en	تابعیت	Er hat die deutsche Staatsangehörigkeit beantragt.
die Einbürgerung -en	اخذ تابعیت	Für die Einbürgerung braucht man unter anderem Sprachkenntnisse.
der Aufenthaltstitel -	مجوز اقامت	Ihr Aufenthaltstitel muss verlängert werden.
die Ausländerbehörde -n	اداره اتباع خارجی	Den Termin bei der Ausländerbehörde habe ich online gebucht.
die Mehrsprachigkeit	چندزبانگی	Mehrsprachigkeit ist ein großer Vorteil.
die Kultur -en	فرهنگ	Ich lerne gern andere Kulturen kennen.
der Kulturschock -s	شوک فرهنگی	In den ersten Monaten hatte ich einen Kulturschock.
die Anerkennung	شناسایی (مدرک)، قدردانی	Die Anerkennung meines Diploms hat ein Jahr gedauert.
die Chancengleichheit	برابری فرصت‌ها	Chancengleichheit beginnt in der Schule.
die Vielfalt	تنوع	Die kulturelle Vielfalt macht Berlin interessant.

واژه	معنی	مثال
sich zurechtfinden fand sich zurecht – hat sich zurechtgefunden	راه خود را پیدا کردن، جا افتادن	Am Anfang konnte ich mich im Behördendschungel kaum zurechtfinden.



محیط زیست و پایداری

Umwelt und Nachhaltigkeit

۵

در B2 بحث محیط زیست از «زباله را تفکیک کنید» فراتر می‌رود: سیاست اقلیمی، انرژی و مسئولیت فردی و دولتی.

واژه	معنی	مثال
die Nachhaltigkeit	پایداری	Nachhaltigkeit spielt beim Einkaufen eine immer größere Rolle.
nachhaltig	پایدار	Wir müssen nachhaltiger leben.
der Treibhauseffekt	اثر گلخانه‌ای	CO ₂ verstärkt den Treibhauseffekt.
die Emission -en	انتشار (آلاینده)	Die Emissionen sollen bis 2030 halbiert werden.
die Erderwärmung	گرمایش زمین	Die Erderwärmung führt zu extremem Wetter.
fossile Brennstoffe Pl.	سوخت‌های فسیلی	Kohle, Öl und Gas sind fossile Brennstoffe.
die Energiewende	گذار انرژی	Die Energiewende kostet viel Geld.
die Ressource -n	منبع، منابع طبیعی	Wasser ist eine knappe Ressource.
knapp	کمیاب، محدود	Im Sommer wird das Wasser in vielen Städten knapp.
der Wassermangel	کم‌آبی	Der Wassermangel ist im Iran ein ernstes Problem.
die Artenvielfalt	تنوع زیستی	Pestizide bedrohen die Artenvielfalt.
aussterben starb aus – ist ausgestorben	منقرض شدن	Viele Tierarten sind vom Aussterben bedroht.
die Verschwendung	هدر دادن	Lebensmittelverschwendung ist ein großes Problem.
der ökologische Fußabdruck	ردپای بوم‌شناختی	Mit weniger Flügen verkleinert man seinen ökologischen Fußabdruck.
verzichten (auf + A) verzichtete – hat verzichtet	چشم‌پوشی کردن از	Ich verzichte bewusst auf Plastiktüten.

واژه	معنی	مثال
der Verbrennungsmotor -en	موتور احتراقی	Neue Autos mit Verbrennungsmotor sollen verboten werden.
die Umweltverschmutzung	آلودگی محیط زیست	Die Umweltverschmutzung schadet unserer Gesundheit.
umweltbewusst	آگاه به محیط زیست	Junge Leute sind oft umweltbewusster als ihre Eltern.



دیجیتالی شدن و فناوری

Digitalisierung und Technik

۶

هوش مصنوعی، حریم خصوصی، کار با داده‌ها و تأثیر فناوری بر زندگی؛ یکی از پرتکرارترین موضوعات بحث در B2.

واژه	معنی	مثال
die Digitalisierung	دیجیتالی شدن	Die Digitalisierung verändert die Arbeitswelt.
die künstliche Intelligenz (KI)	هوش مصنوعی	Künstliche Intelligenz kann Texte übersetzen.
der Datenschutz	حفاظت از داده‌ها	Beim Datenschutz ist Deutschland sehr streng.
die Privatsphäre	حریم خصوصی	Soziale Netzwerke gefährden unsere Privatsphäre.
die Erfindung -en	اختراع	Das Smartphone ist eine der wichtigsten Erfindungen.
entwickeln entwickelte – hat entwickelt	توسعه دادن	Die Firma entwickelt Software für Krankenhäuser.
der Fortschritt -e	پیشرفت	Der technische Fortschritt bringt auch Risiken.
die Anwendung -en	کاربرد، اپلیکیشن	Die Anwendung ist einfach zu bedienen.
bedienen bediente – hat bedient	کار کردن با (دستگاه)	Meine Oma kann das Handy kaum bedienen.
die Sicherheitslücke -n	حفره امنیتی	Die Sicherheitslücke wurde schnell geschlossen.
der Algorithmus Algorithmen	الگوریتم	Algorithmen bestimmen, welche Nachrichten wir sehen.
automatisieren automatisierte – hat automatisiert	خودکار کردن	Viele Jobs werden in Zukunft automatisiert.
die Vernetzung	شبکه‌ای شدن، اتصال	Die Vernetzung von Geräten nennt man „Internet der Dinge“.

واژه	معنی	مثال
die Bildschirmzeit	زمان استفاده از صفحه نمایش	Eltern sollten die Bildschirmzeit ihrer Kinder begrenzen.
die Falschmeldung / Fake News -en	خبر جعلی	Falschmeldungen verbreiten sich im Netz schnell.
überwachen überwachte – hat überwacht	تحت نظر داشتن	Kameras überwachen den Bahnhof.
die Abhängigkeit -en	وابستگی	Die Abhängigkeit vom Smartphone nimmt zu.
benutzerfreundlich	کاربرپسند	Die neue Website ist sehr benutzerfreundlich.



رسانه و ارتباطات

Medien und Kommunikation



برای فهم اخبار، تحلیل رسانه و بحث درباره آزادی و مسئولیت رسانه‌ها.

واژه	معنی	مثال
die Berichterstattung	گزارش‌دهی، پوشش خبری	Die Berichterstattung über den Krieg war einseitig.
der Journalist / die Journalistin -en / -nen	روزنامه‌نگار	Journalisten müssen ihre Quellen prüfen.
die Quelle -n	منبع	Aus welcher Quelle stammt diese Information?
seriös / unseriös	معتبر / غیرمعتبر	Ich lese nur seriöse Zeitungen.
die Schlagzeile -n	تیتر	Die Schlagzeile war völlig übertrieben.
sich informieren (über + A) informierte sich – hat sich informiert	کسب اطلاع کردن	Ich informiere mich vor allem über Podcasts.
beeinflussen beeinflusste – hat beeinflusst	تحت تأثیر قرار دادن	Werbung beeinflusst unser Kaufverhalten.
die öffentliche Meinung	افکار عمومی	Die Medien prägen die öffentliche Meinung.
die Pressefreiheit	آزادی مطبوعات	Ohne Pressefreiheit gibt es keine Demokratie.
veröffentlichen veröffentlichte – hat veröffentlicht	منتشر کردن	Die Studie wurde letzte Woche veröffentlicht.

واژه	معنی	مثال
der Beitrag -e	مطلب، پست، سهم	Ihr Beitrag im Forum hat viele Reaktionen ausgelöst.
der Einfluss -e	تأثیر، نفوذ	Influencer haben großen Einfluss auf Jugendliche.
die Zielgruppe -n	گروه هدف	Die Zielgruppe der Sendung sind junge Erwachsene.
die Kommunikation	ارتباط	Gute Kommunikation ist im Team entscheidend.
das Missverständnis -se	سوء تفاهم	Das war nur ein Missverständnis.
die Diskussion -en	بحث	Die Diskussion wurde sehr emotional.
kritisch hinterfragen	نقدانه بررسی کردن	Man sollte Nachrichten kritisch hinterfragen.
die Glaubwürdigkeit	اعتبار، باورپذیری	Die Zeitung hat durch den Skandal an Glaubwürdigkeit verloren.



آموزش و علم

Bildung und Wissenschaft



برای کسانی که در آلمان تحصیل می‌کنند یا با متن‌های علمی و پژوهشی سروکار دارند.

واژه	معنی	مثال
das Bildungssystem -e	نظام آموزشی	Das deutsche Bildungssystem ist föderal organisiert.
die Chancengleichheit in der Bildung	برابری فرصت آموزشی	Der Schulerfolg hängt oft vom Elternhaus ab.
die Forschung -en	پژوهش	Die Forschung zu Krebs macht große Fortschritte.
forschen forschte – hat geforscht	پژوهش کردن	Sie forscht seit Jahren über Bienen.
die Studie -n	مطالعه، پژوهش	Laut einer neuen Studie schlafen Studenten zu wenig.
das Ergebnis -se	نتیجه	Die Ergebnisse der Studie sind überraschend.
die These -n	فرضیه، ادعای علمی	Der Autor stellt eine interessante These auf.

واژه	معنی	مثال
beweisen bewies – hat bewiesen	اثبات کردن	Das lässt sich wissenschaftlich nicht beweisen.
die Hausarbeit -en	مقاله کلاسی، تحقیق	Bis Ende des Semesters muss ich eine Hausarbeit schreiben.
die Abschlussarbeit -en	پایان نامه	Meine Abschlussarbeit schreibe ich über Mehrsprachigkeit.
das Stipendium Stipendien	بورسیه	Der DAAD vergibt Stipendien an ausländische Studierende.
der Studiengang -e	رشته تحصیلی	Der Studiengang ist zulassungsbeschränkt.
die Zulassung -en	پذیرش	Für die Zulassung braucht man einen Notendurchschnitt von 2,0.
das lebenslange Lernen	یادگیری مادام العمر	Lebenslanges Lernen ist heute eine Notwendigkeit.
die Kenntnisse Pl.	دانش، اطلاعات	Gute Deutschkenntnisse sind Voraussetzung für das Studium.
das Plagiat -e	سرقت علمی	Die Arbeit wurde wegen eines Plagiats nicht anerkannt.
zitieren zitierte – hat zitiert	نقل قول کردن	Sie müssen alle Quellen korrekt zitieren.
der Fernunterricht / das E-Learning	آموزش از راه دور	Während der Pandemie gab es viel Fernunterricht.

ویژه فارسی زبان ها

die Hausarbeit دو معنی دارد: در دانشگاه یعنی **مقاله تحقیقی** و در خانه یعنی **کارهای خانه**. معنی را از متن تشخیص دهید.
برای کارهای خانه عبارت **den Haushalt machen** هم خیلی رایج است.



سلامت و پزشکی

Gesundheit und Medizin

۹

سیستم درمانی، پیشگیری، سلامت روان و بحث های اخلاقی پزشکی؛ فراتر از «سرم درد می کند».

واژه	معنی	مثال
das Gesundheitswesen	نظام سلامت	Das Gesundheitswesen ist teuer, aber gut.
die Vorsorge	پیشگیری	Regelmäßige Vorsorge kann Leben retten.

واژه	معنی	مثال
die Vorsorgeuntersuchung -en	معاینه پیشگیرانه	Die Krankenkasse bezahlt regelmäßige Vorsorgeuntersuchungen.
die Behandlung -en	درمان	Die Behandlung wird von der Krankenkasse bezahlt.
die Nebenwirkung -en	عارضه جانبی	Das Medikament hat kaum Nebenwirkungen.
die Diagnose -n	تشخیص	Die Diagnose war ein Schock für die Familie.
chronisch	مزمن	Chronische Krankheiten nehmen zu.
die Psyche	روان	Stress wirkt sich auf Körper und Psyche aus.
die psychische Gesundheit	سلامت روان	Über psychische Gesundheit wird heute offener gesprochen.
die Pflege	پرستاری، مراقبت	In der Pflege fehlen tausende Fachkräfte.
der/die Pflegebedürftige -n	فرد نیازمند مراقبت	Die Zahl der Pflegebedürftigen steigt.
die Organspende -n	اهدای عضو	Über die Organspende wird kontrovers diskutiert.
die Impfung -en	واکسیناسیون	Die Impfung schützt vor schweren Verläufen.
vorbeugen (+ D) beugte vor – hat vorgebeugt	پیشگیری کردن از	Mit Sport kann man vielen Krankheiten vorbeugen.
die Lebenserwartung	امید به زندگی	Die Lebenserwartung ist in den letzten Jahrzehnten gestiegen.
sich auswirken (auf + A) wirkte sich aus – hat sich ausgewirkt	اثر گذاشتن بر	Schlafmangel wirkt sich negativ auf die Konzentration aus.
die Facharztpraxis -praxen	مطب متخصص	Auf einen Termin in der Facharztpraxis wartet man oft Wochen.
die Überweisung -en	ارجاع (پزشکی) / واریز	Für den Facharzt brauchen Sie eine Überweisung vom Hausarzt.



شخصیت و روان‌شناسی

Persönlichkeit und Psychologie

۱۰

توصیف دقیق آدم‌ها و احساسات، فراتر از «خوب» و «بد»؛ برای نوشتن درباره تجربه‌ها و بحث درباره روابط.

واژه	معنی	مثال
zuverlässig	قابل اعتماد	Mein Kollege ist absolut zuverlässig.
ehrgeizig	جاه طلب، بلندپرواز	Sie ist sehr ehrgeizig und will Chefärztin werden.
selbstbewusst	با اعتماد به نفس	Nach dem Kurs war er viel selbstbewusster.
rücksichtsvoll / rücksichtslos	با ملاحظه / بی ملاحظه	Rücksichtslose Autofahrer sind eine Gefahr.
gelassen	آرام، خونسرد	Auch in Stresssituationen bleibt sie gelassen.
empfindlich	حساس، زودرنج	Er ist sehr empfindlich, wenn man ihn kritisiert.
hilfsbereit	اهل کمک	Unsere Nachbarn sind unglaublich hilfsbereit.
aufgeschlossen	گشاده رو، پذیرا	Ich bin neuen Ideen gegenüber aufgeschlossen.
stur	لجباز	Mein Großvater ist manchmal ziemlich stur.
das Selbstwertgefühl	عزت نفس	Lob stärkt das Selbstwertgefühl von Kindern.
die Eigenschaft -en	ویژگی	Ehrlichkeit ist für mich die wichtigste Eigenschaft.
der Charakter -e	شخصیت	Sie hat einen starken Charakter.
die Einsamkeit	تنهایی	Einsamkeit kann krank machen.
die Enttäuschung -en	ناامیدی، دلسردی	Die Absage war eine große Enttäuschung für ihn.
das Vertrauen	اعتماد	Vertrauen ist die Basis jeder Beziehung.
bewältigen bewältigte – hat bewältigt	از پس چیزی برآمدن	Wie bewältigst du den Stress vor Prüfungen?
die Motivation	انگیزه	Mir fehlt manchmal die Motivation zum Lernen.
neidisch (auf + A)	حسود (به)	Er ist neidisch auf den Erfolg seines Bruders.



فرهنگ، هنر و سبک زندگی

Kultur, Kunst und Lebensstil

۱۱

برای صحبت درباره کتاب، فیلم، سنت ها و تفاوت های فرهنگی؛ مثلاً مقایسه نوروز با جشن های آلمانی.

واژه	معنی	مثال
die Tradition -en	سنت	Nouruz ist eine Tradition, die über 3000 Jahre alt ist.

واژه	معنی	مثال
der Brauch -e	رسم، آیین	An Ostern gibt es in Deutschland viele Bräuche.
die Ausstellung -en	نمایشگاه	Die Ausstellung zeigt Werke iranischer Künstlerinnen.
das Kunstwerk -e	اثر هنری	Das Kunstwerk wurde für Millionen versteigert.
der Roman -e	رمان	Der Roman wurde in 30 Sprachen übersetzt.
die Verfilmung -en	اقتباس سینمایی	Die Verfilmung ist schlechter als das Buch.
die Handlung -en	داستان، پیرنگ	Die Handlung spielt im Teheran der 1970er-Jahre.
der Schriftsteller / die Schriftstellerin - / -nen	نویسنده	Die Schriftstellerin liest heute aus ihrem neuen Buch.
die Aufführung -en	اجرا (تئاتر/کنسرت)	Nach der Aufführung gab es langen Applaus.
das Publikum	تماشاگران	Das Publikum war begeistert.
die Kritik -en	نقد	Der Film hat gute Kritiken bekommen.
der Lebensstil -e	سبک زندگی	Ein gesunder Lebensstil ist mir wichtig.
die Freizeitgestaltung	برنامه‌ریزی اوقات فراغت	Bei der Freizeitgestaltung spielen Medien eine große Rolle.
der Wert -e	ارزش	Familie ist für viele Iraner ein hoher Wert.
die Gastfreundschaft	مهمان‌نوازی	Die iranische Gastfreundschaft ist weltberühmt.
prägen prägte – hat geprägt	شکل دادن، تأثیر عمیق گذاشتن	Meine Kindheit in Shiraz hat mich sehr geprägt.
das Erbe	میراث	Persepolis gehört zum UNESCO-Weltkulturerbe.
unterhaltsam	سرگرم‌کننده	Die Serie ist unterhaltsam, aber nicht anspruchsvoll.



شکایت رسمی، قرارداد، بیمه و حقوق مصرف‌کننده؛ همان موضوعاتی که در **Schreiben Teil 2** و نامه‌های رسمی لازم دارید.

واژه	معنی	مثال
der Vertrag -e	قرارداد	Lesen Sie den Vertrag sorgfältig durch.
einen Vertrag abschließen / kündigen	قرارداد بستن / فسخ کردن	Ich habe einen Handyvertrag für zwei Jahre abgeschlossen.
die Versicherung -en	بیمه	Die Haftpflichtversicherung ist in Deutschland sehr verbreitet.
haften (für + A) haftete – hat gehaftet	مسئول خسارت بودن	Eltern haften für ihre Kinder.
der Schaden -en	خسارت	Die Versicherung hat den Schaden bezahlt.
der Anspruch (auf + A) -e	حق، استحقاق	Sie haben Anspruch auf 25 Urlaubstage.
die Beschwerde -n	شکایت	Ich möchte eine Beschwerde einreichen.
reklamieren reklamierte – hat reklamiert	کالای معیوب را برگرداندن، اعتراض کردن	Ich habe das defekte Gerät reklamiert.
die Erstattung -en	بازپرداخت	Wir bitten um Erstattung des Kaufpreises.
die Frist einhalten	مهلت را رعایت کردن	Bitte halten Sie die Frist unbedingt ein.
der Rechtsanwalt / die Rechtsanwältin -e / -nen	وکیل	Im Streitfall sollten Sie einen Rechtsanwalt einschalten.
verklagen verklagte – hat verklagt	شکایت قضایی کردن	Er hat seinen Vermieter verklagt.
das Gericht -e	دادگاه	Das Gericht hat zugunsten der Mieterin entschieden.
rechtlich	حقوقی، قانونی	Rechtlich ist das nicht erlaubt.
die Kündigung -en	فسخ، اخراج	Die Kündigung muss schriftlich erfolgen.
die Verbraucherzentrale -n	مرکز حمایت از مصرف‌کننده	Die Verbraucherzentrale berät kostenlos oder günstig.

واژه	معنی	مثال
zustehen (+ D) stand zu – hat zugestanden	حق کسی بودن	Ihnen steht eine Entschädigung zu.
in Kraft treten trat in Kraft – ist in Kraft getreten	لازم الاجرا شدن	Das neue Gesetz tritt am 1. Januar in Kraft.

ترکیب‌های ثابت و کالوکیشن‌های B2

Funktionsverbgefüge und Kollokationen



تفاوت اصلی یک متن B1 با یک متن B2 در همین ترکیب‌هاست. به *kritisieren* می‌نویسید *Kritik üben an* و به جای *in Diskussion stehen diskutiert werden* این بخش ترکیب‌هایی را آورده که در نامه‌های رسمی، اخبار و بحث‌ها بیشترین کاربرد را دارند.

ترکیب‌های اسم و فعل (Funktionsverbgefüge)

۳.۱

Funktionsverbgefüge

در این ترکیب‌ها معنی اصلی در اسم است و فعل (*stellen, nehmen, bringen, kommen*) فقط نقش دستوری دارد. ستون دوم معادل ساده‌تر را نشان می‌دهد تا هم متن رسمی را بفهمید و هم بتوانید نوشته‌تان را رسمی‌تر کنید.

ترکیب	معادل ساده	معنی	مثال
zur Verfügung stellen / stehen	bereitstellen / verfügbar sein	در اختیار گذاشتن / بودن	Die Firma stellt uns einen Laptop zur Verfügung.
in Kraft treten	gültig werden	لازم‌الاجرا شدن	Die Regel tritt im März in Kraft.
zur Diskussion stehen	diskutiert werden	مطرح بحث بودن	Mehrere Vorschläge stehen zur Diskussion.
zur Sprache bringen / kommen	ansprechen / angesprochen werden	مطرح کردن / شدن	Ich möchte ein Problem zur Sprache bringen.
in Frage stellen	bezweifeln	زیر سؤال بردن	Er stellt die Ergebnisse der Studie in Frage.
zum Ausdruck bringen	ausdrücken	بیان کردن	Sie brachte ihre Dankbarkeit zum Ausdruck.
Anwendung finden	angewendet werden	به کار رفتن	Die Methode findet in vielen Bereichen Anwendung.
Kritik üben (an + D)	kritisieren	انتقاد کردن	Die Opposition übt scharfe Kritik an dem Plan.
Einfluss nehmen (auf + A)	beeinflussen	تأثیر گذاشتن	Eltern nehmen großen Einfluss auf die Berufswahl.
eine Entscheidung treffen	entscheiden	تصمیم گرفتن	Wir müssen heute eine Entscheidung treffen.
Maßnahmen ergreifen	handeln	اقدام کردن	Die Stadt ergreift Maßnahmen gegen Lärm.
in Betracht ziehen	erwägen	در نظر گرفتن	Wir ziehen einen Umzug in Betracht.

ترکیب	معادل ساده	معنی	مثال
in Anspruch nehmen	nutzen	استفاده کردن (از خدمات/وقت)	Das Projekt nimmt viel Zeit in Anspruch.
zur Kenntnis nehmen	registrieren	اطلاع یافتن، در نظر گرفتن	Bitte nehmen Sie die neuen Regeln zur Kenntnis.
in Verbindung setzen (sich, mit + D)	kontaktieren	تماس گرفتن	Bitte setzen Sie sich mit uns in Verbindung.
Bezug nehmen (auf + A)	sich beziehen auf	اشاره کردن به	Ich nehme Bezug auf Ihre E-Mail vom 3. Mai.
in Gang setzen / kommen	starten / beginnen	راه انداختن / راه افتادن	Die Reform kommt nur langsam in Gang.
unter Druck setzen / stehen	drängen / gedrängt werden	تحت فشار گذاشتن / بودن	Der Chef setzt das Team unter Druck.
Rücksicht nehmen (auf + A)	berücksichtigen	ملاحظه کردن	Nehmen Sie bitte Rücksicht auf ältere Fahrgäste.
zu Ende führen	beenden	به پایان رساندن	Sie will ihr Studium unbedingt zu Ende führen.
einen Beitrag leisten (zu + D)	beitragen	سهم داشتن	Jeder kann einen Beitrag zum Klimaschutz leisten.
eine Rolle spielen	wichtig sein	نقش داشتن	Der Preis spielt bei der Entscheidung eine große Rolle.
Verantwortung tragen / übernehmen	verantwortlich sein	مسئولیت داشتن / پذیرفتن	Die Eltern tragen die Verantwortung.
Stellung nehmen (zu + D)	sich äußern	اظہار نظر کردن	Der Minister nahm zu den Vorwürfen Stellung.
in Erfüllung gehen	sich erfüllen	تحقق یافتن (آرزو)	Mein Traum ist in Erfüllung gegangen.
Abschied nehmen (von + D)	sich verabschieden	وداع کردن	Am Flughafen nahmen wir Abschied.
einen Antrag stellen (auf + A)	beantragen	درخواست رسمی دادن	Sie stellt einen Antrag auf Elterngeld.
zur Folge haben	bewirken	پیامد داشتن	Die Krise hatte viele Entlassungen zur Folge.
in Zusammenhang stehen (mit + D)	zusammenhängen	مرتبط بودن	Die Probleme stehen in engem Zusammenhang.
Wert legen (auf + A)	wichtig finden	اهمیت دادن	Unser Unternehmen legt Wert auf Teamarbeit.

💡 قانون جفت‌های معلوم و مجهول

در بسیاری از ترکیب‌ها فعل‌های bringen / stellen / setzen معلوم دارند و kommen / stehen مجهول: etwas zur Sprache bringen (مطرح)

اسم + حرف اضافه

۳.۲

Nomen mit Präpositionen

اسم‌های ساخته‌شده از فعل، معمولاً همان حرف اضافه فعل را نگه می‌دارند: sich interessieren für ← اما das Interesse an! پس این‌ها را جداگانه حفظ کنید.

اسم	معنی	اسم	معنی
der Einfluss auf + A	تأثیر بر	der Anspruch auf + A	حق
die Kritik an + D	انتقاد از	die Antwort auf + A	پاسخ به
das Interesse an + D	علاقه به	der Beitrag zu + D	سهم در
die Angst vor + D	ترس از	die Erfahrung mit + D	تجربه با
der Grund für + A	دلیل	der Wunsch nach + D	آرزوی
die Lösung für + A	راه‌حل	der Zweifel an + D	شک به
die Voraussetzung für + A	پیش‌شرط	die Teilnahme an + D	شرکت در
das Verhältnis zu + D	رابطه با	die Suche nach + D	جست‌وجوی
der Bedarf an + D	نیاز به	die Rücksicht auf + A	ملاحظه
der Mangel an + D	کمبود	die Beschwerde über + A	شکایت از

⚠️ اشتباه رایج

فارسی‌زبان‌ها اغلب می‌گویند

Kritik für یا Einfluss an × چون در فارسی «تأثیر روی» و «انتقاد از» داریم. درستش: Kritik an, Einfluss auf.

فعل‌های حرف‌افزاده‌دار سطح B2

۳.۳

Verben mit Präpositionen (B2)

فعل	معنی	مثال
sich auseinandersetzen mit + D	به‌طور جدی پرداختن به	Wir müssen uns mit dem Problem auseinandersetzen.
sich beziehen auf + A	اشاره داشتن به	Ich beziehe mich auf Ihr Schreiben vom 5. Mai.
sich einsetzen für + A	تلاش کردن برای	Sie setzt sich für die Rechte von Frauen ein.

فعل	معنی	مثال
sich eignen für + A	مناسب بودن برای	Das Buch eignet sich gut für Anfänger.
beitragen zu + D	کمک کردن به، سهم داشتن	Bäume tragen zu sauberer Luft bei.
führen zu + D	منجر شدن به	Stress kann zu Krankheiten führen.
neigen zu + D	تمایل داشتن به	Er neigt zu Übertreibungen.
sich wenden an + A	مراجعه کردن به	Bei Fragen wenden Sie sich bitte an das Sekretariat.
bestehen aus / auf / in	تشکیل شدن از / اصرار داشتن بر / عبارت بودن از	Die Prüfung besteht aus vier Teilen. / Ich bestehe auf einer Antwort.
es handelt sich um + A	موضوع ... است	Es handelt sich um ein Missverständnis.
hinweisen auf + A	اشاره/توجه دادن به	Ich möchte darauf hinweisen, dass ...
profitieren von + D	سود بردن از	Alle profitieren von guter Bildung.
sich auswirken auf + A	اثر گذاشتن بر	Die Krise wirkt sich auf den Arbeitsmarkt aus.
gelten als	به عنوان ... شناخته شدن	Er gilt als einer der besten Ärzte.
zählen zu + D	جزو ... بودن	Das Lied zählt zu den bekanntesten Songs.
warnen vor + D	هشدار دادن درباره	Experten warnen vor den Folgen.
sich verlassen auf + A	اعتماد/تکیه کردن به	Auf ihn kann man sich verlassen.
verzichten auf + A	صرف نظر کردن از	Ich verzichte auf Zucker.
sich abfinden mit + D	کنار آمدن با	Ich kann mich damit nicht abfinden.
sich befassen mit + D	مشغول/مربوط بودن به	Die Studie befasst sich mit Migration.

ترکیب‌های رسمی برای بحث و نوشتن

۳.۴

Kollokationen für Argumentation und Schreiben

این‌ها را در 1 Schreiben Teil و 2 Sprechen Teil به کار ببرید. هر کدام جای یک فعل ساده را می‌گیرد و متن را دقیق‌تر و رسمی‌تر می‌کند.

ترکیب	معنی
eine Debatte auslösen	بحثی را برانگیختن
Konsequenzen ziehen	نتیجه گرفتن و اقدام کردن
eine Gefahr darstellen	خطری به شمار آمدن
an Bedeutung gewinnen / verlieren	اهمیت پیدا کردن / از دست دادن
eine wichtige Rolle spielen	نقش مهمی داشتن
auf Kritik stoßen	با انتقاد روبه‌رو شدن
eine Lösung finden / erarbeiten	راه‌حل پیدا کردن / تدوین کردن

ترکیب	معنی
eine These aufstellen / vertreten	فرضیه‌ای مطرح کردن / از آن دفاع کردن
Argumente anführen	استدلال آوردن
Vor- und Nachteile abwägen	مزایا و معایب را سنجیدن
eine Frage aufwerfen	سؤالی را پیش کشیدن
ein Problem angehen	به حل مشکلی پرداختن
Bedenken äußern	نگرانی ابراز کردن

ترکیب	معنی
Ziele erreichen / verfolgen	به اهداف رسیدن / دنبال کردن

ترکیب	معنی
einen Kompromiss schließen	سازش کردن
Vorurteile abbauen	پیش‌داوری‌ها را کم کردن

Die neue Regel ist **auf heftige Kritik gestoßen**, weil sie **eine wichtige Frage aufwirft**: Wer soll das bezahlen?

قانون جدید با انتقاد شدید روبه‌رو شده، چون سؤال مهمی را پیش می‌کشد: چه کسی باید هزینه‌اش را بدهد؟

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های B2

Redewendungen und Sprichwörter



در B2 انتظار می‌رود اصطلاحات رایج را در متن و گفت‌وگو بفهمید و چند تا را هم به‌جا به کار ببرید. این ۳۰ اصطلاح با B1 فرق دارند و بسیاری از آن‌ها معادل دقیقی در فارسی دارند؛ از «زیره به کرمان بردن» تا «از کاه کوه ساختن».

Aus einer Mücke einen Elefanten machen

تحت‌اللفظی: از پشه فیل ساختن
معادل فارسی: از کاه کوه ساختن

Es war nur ein kleiner Fehler. Mach doch aus einer Mücke keinen Elefanten!

Zwei Fliegen mit einer Klappe schlagen

تحت‌اللفظی: دو مگس را با یک مگس‌کش زدن
معادل فارسی: با یک تیر دو نشان زدن

Ich fahre mit dem Rad zur Arbeit und treibe gleichzeitig Sport – zwei Fliegen mit einer Klappe!

Viele Köche verderben den Brei.

تحت‌اللفظی: آشپزهای زیاد فرنی را خراب می‌کنند.
معادل فارسی: آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

Wir sollten nicht zu zehnt an dem Text arbeiten – viele Köche verderben den Brei.

Eulen nach Athen tragen

تحت‌اللفظی: جغد به آتن بردن
معادل فارسی: زیره به کرمان بردن

Ihm Fachbücher über Medizin zu schenken, hieße Eulen nach Athen tragen.

Jemandem ein Dorn im Auge sein

تحت‌اللفظی: خار در چشم کسی بودن
معادل فارسی: خار چشم کسی بودن

Die neuen Windräder sind vielen Anwohnern ein Dorn im Auge.

Der Apfel fällt nicht weit vom Stamm.

تحت‌اللفظی: سیب دور از تنه نمی‌افتد.
معادل فارسی: تره به تخمش می‌ره.

Sein Vater war auch Musiker – der Apfel fällt nicht weit vom Stamm.

Etwas unter den Teppich kehren

تحت‌اللفظی: چیزی را زیر فرش جارو کردن
معادل فارسی: ماست‌مالی کردن، لاپوشانی کردن

Die Firma wollte den Skandal unter den Teppich kehren.

Den Kopf in den Sand stecken

تحت‌اللفظی: سر را در شن فرو کردن
معادل فارسی: سر را مثل کبک زیر برف کردن

Du kannst bei Problemen nicht einfach den Kopf in den Sand stecken.

Das Kind mit dem Bade ausschütten

تحت اللفظی: بچه را با آب حمام بیرون ریختن
معادل فارسی: به خاطر یک دستمال قیصریه را آتش زدن

Wegen eines Fehlers das ganze Projekt zu stoppen, hieße das Kind mit dem Bade ausschütten.

Öl ins Feuer gießen

تحت اللفظی: روغن روی آتش ریختن
معادل فارسی: هیزم به آتش ریختن

Mit seiner Bemerkung hat er nur Öl ins Feuer gegossen.

Jemandem reinen Wein einschenken

تحت اللفظی: برای کسی شراب خالص ریختن
معادل فارسی: حقیقت را صاف و ساده به کسی گفتن

Ich muss dir reinen Wein einschenken: Das Projekt ist gescheitert.

Sich kein Blatt vor den Mund nehmen

تحت اللفظی: برگه جلوی دهان نگرفتن
معادل فارسی: رک و بی‌پرده حرف زدن

Meine Oma nimmt sich nie ein Blatt vor den Mund.

In den sauren Apfel beißen

تحت اللفظی: سیب ترش را گاز زدن
معادل فارسی: تن به کار ناخوشایند دادن

Ich muss wohl in den sauren Apfel beißen und die Steuererklärung machen.

Auf der Hand liegen

تحت اللفظی: روی دست قرار داشتن
معادل فارسی: مثل روز روشن بودن

Die Vorteile liegen doch auf der Hand!

Den Teufel an die Wand malen

تحت اللفظی: شیطان را روی دیوار نقاشی کردن
معادل فارسی: فال بد زدن

Mal nicht gleich den Teufel an die Wand! Vielleicht wird alles gut.

Jemandem einen Strich durch die Rechnung machen

تحت اللفظی: روی حساب کسی خط کشیدن
معادل فارسی: نقشه کسی را نقش بر آب کردن

Wir wollten grillen, aber der Regen hat uns einen Strich durch die Rechnung gemacht.

Etwas auf Eis legen

تحت اللفظی: چیزی را روی یخ گذاشتن
معادل فارسی: فعلاً متوقف کردن، مسکوت گذاشتن

Wegen fehlender Gelder wurde das Projekt auf Eis gelegt.

Jemandem fällt ein Stein vom Herzen

تحت اللفظی: سنگی از قلب کسی افتادن
معادل فارسی: باری از دوش کسی برداشته شدن

Als ich die Prüfungsergebnisse sah, fiel mir ein Stein vom Herzen.

Den Faden verlieren

تحت اللفظی: نخ را گم کردن
معادل فارسی: رشته کلام از دست رفتن

Während des Vortrags habe ich kurz den Faden verloren.

Unter einer Decke stecken

تحت اللفظی: زیر یک پتو بودن
معادل فارسی: با هم دست به یکی کردن

Die beiden stecken doch unter einer Decke!

Etwas aus dem Ärmel schütteln

تحت اللفظی: چیزی را از آستین تکاندن
معادل فارسی: مثل آب خوردن (بدون آمادگی) انجام دادن

So eine Rede kann man nicht einfach aus dem Ärmel schütteln.

Jemandem etwas in die Schuhe schieben

تحت اللفظی: چیزی را در کفش کسی هل دادن
معادل فارسی: تقصیر را گردن کسی انداختن

Er hat den Fehler gemacht und will ihn mir in die Schuhe schieben.

Auf keinen grünen Zweig kommen

تحت اللفظی: به هیچ شاخه سبزی نرسیدن
معادل فارسی: به جایی نرسیدن، موفق نشدن

Mit dieser Strategie kommen wir auf keinen grünen Zweig.

Die Kirche im Dorf lassen

تحت اللفظی: کلیسا را در روستا گذاشتن
معادل فارسی: شلوغش نکردن، اغراق نکردن

Lass mal die Kirche im Dorf – so schlimm ist es nicht.

Jemandem den Rücken stärken

تحت اللفظی: پشت کسی را محکم کردن
معادل فارسی: پشت کسی درآمدن، حمایت کردن

Meine Familie hat mir immer den Rücken gestärkt.

Am Ball bleiben

تحت اللفظی: کنار توپ ماندن
معادل فارسی: پیگیر ماندن، ول نکردن

Beim Sprachenlernen ist es wichtig, am Ball zu bleiben.

Mir stehen die Haare zu Berge.

تحت اللفظی: موهایم مثل کوه سیخ می شوند.
معادل فارسی: مو به تنم سیخ شد.

Wenn ich an den Unfall denke, stehen mir die Haare zu Berge.

Auf Messers Schneide stehen

تحت اللفظی: روی لبه چاقو ایستادن
معادل فارسی: معلق بودن، به مویی بند بودن

Die Wahl steht auf Messers Schneide.

Stille Wasser sind tief.

تحت اللفظی: آب های آرام عمیق اند.
معادل فارسی: آدم های کم حرف، عمیق اند (آب زیرکانه)

Sie sagt nicht viel, aber stille Wasser sind tief.

Wer zuletzt lacht, lacht am besten.

تحت اللفظی: هر که آخر بخندد، بهتر می خندد.
معادل فارسی: هر که آخر بخندد، بهتر می خندد.

Sie haben mich ausgelacht, aber wer zuletzt lacht, lacht am besten.

نکته

در 2 Sprechen Teil (بحث)، یک اصطلاح به جا مثل Die Vorteile liegen auf der Hand یا Man sollte die Kirche im Dorf lassen نشان می دهد زبان شما طبیعی است. اما بیش از یکی دو بار در هر بحث استفاده نکنید تا تصنعی به نظر نرسد.

⚠ اشتباه رایج

unter einer Decke stecken و jemandem reinen Wein einschenken نسبتاً محاوره ای اند. در نامه رسمی از اصطلاحات اس

متن‌های خواندنی B2

Lesetexte mit Übungen



چهار متن واقعی‌نما در قالب‌های آزمون B2: گزارش خبری، یادداشت (Kommentar)، متن علمی-عمومی و مقررات. هر متن با واژه‌نامه و تمرین همراه است. در متن اول به فعل‌های پررنگ دقت کنید: نمونه واقعی I Konjunktiv در خبرند.



پرستاران خارجی در آلمان

Ein Zeitungsbericht

۵.۱

گزارش خبری

Pflegekräfte aus dem Ausland – Hoffnung für das Gesundheitssystem?

In deutschen Krankenhäusern und Pflegeheimen fehlen Zehntausende Fachkräfte. Da sich immer weniger junge Menschen in Deutschland für den Pflegeberuf entscheiden, setzen viele Einrichtungen inzwischen auf Personal aus dem Ausland – etwa von den Philippinen, aus Indien, aus Lateinamerika oder aus dem Iran.

Doch der Weg in den deutschen Pflegealltag ist lang. Ausländische Abschlüsse müssen zunächst anerkannt werden, was oft Monate dauert. Fehlen im Vergleich zur deutschen Ausbildung bestimmte Inhalte, müssen die Bewerberinnen und Bewerber eine Kenntnisprüfung ablegen oder einen Anpassungslehrgang besuchen. Hinzu kommt die Sprache: In den meisten Bundesländern wird für die Berufserlaubnis ein Deutschzertifikat auf B2-Niveau verlangt.

„Die Fachsprache war am Anfang das größte Problem“, erzählt Maryam S., die vor drei Jahren aus Isfahan nach Hannover kam. „Im Iran habe ich zehn Jahre als Krankenschwester gearbeitet, aber hier musste ich lernen, wie man eine Übergabe dokumentiert oder mit Angehörigen über schwierige Themen spricht.“ Heute leitet sie eine Station mit 14 Mitarbeitenden.

Kritiker geben zu bedenken, dass die Anwerbung im Ausland die eigentlichen Probleme nicht **löst**: schlechte Bezahlung, Schichtdienst und Zeitdruck. Zudem **fehlten** die Fachkräfte dann in ihren Herkunftsländern. Befürworter hingegen betonen, beide Seiten **könnten** profitieren, sofern die Integration gut begleitet **werde** – etwa durch Sprachkurse während der Arbeitszeit und Unterstützung bei der Wohnungssuche.

به رسمیت شناختن	anerkennen	مؤسسه، مرکز	die Einrichtung
دورهٔ تطبیقی	der Anpassungslehrgang	آزمون سنجش دانش	die Kenntnisprüfung
بستگان (بیمار)	die Angehörigen	تحویل شیفت	die Übergabe
جذب نیرو	die Anwerbung	یادآوری کردن، هشدار دادن	zu bedenken geben

گزینهٔ درست را انتخاب کنید. 📌

1. 1. Warum suchen viele Einrichtungen Personal im Ausland?

- a) Ausländische Kräfte sind billiger.
- b) Zu wenige junge Menschen in Deutschland wählen den Pflegeberuf.
- c) Ein Gesetz schreibt es vor.

2. 2. Was müssen ausländische Pflegekräfte unter Umständen tun?

- a) Eine komplett neue Ausbildung machen.
- b) Eine Prüfung ablegen oder einen Lehrgang besuchen.
- c) Fünf Jahre Berufserfahrung nachweisen.

3. 3. Was war für Maryam am Anfang besonders schwer?

- a) Die medizinische Arbeit.
- b) Die Fachsprache.
- c) Die Wohnungssuche.

4. 4. Was sagen die Kritiker?

- a) Die Anwerbung löst die Ursachen des Mangels nicht.
- b) Ausländische Kräfte sind schlecht ausgebildet.
- c) Die Integration funktioniert problemlos.



آیا به هفتهٔ کاری چهارروزه نیاز داریم؟

۵.۲

Ein Kommentar

یادداشت (Kommentar)

Kommentar: Brauchen wir die Vier-Tage-Woche?

A In mehreren europäischen Ländern wird die Vier-Tage-Woche bereits getestet. Auch in Deutschland nahmen zahlreiche Unternehmen an einem Pilotprojekt teil, bei dem die Beschäftigten bei vollem Lohn nur noch an vier Tagen pro Woche arbeiteten.

B Die Ergebnisse klingen vielversprechend: Viele Teilnehmende berichteten, sie seien weniger gestresst und schliefen besser. Gleichzeitig blieb die Produktivität in den meisten Betrieben stabil, weil Besprechungen verkürzt und Abläufe effizienter gestaltet wurden.

C Dennoch ist Skepsis angebracht. Was in einer Werbeagentur funktioniert, lässt sich nicht ohne Weiteres auf ein Krankenhaus oder einen Supermarkt übertragen. Wo Menschen rund um die Uhr gebraucht werden, bedeutet weniger Arbeitszeit vor allem eines: mehr Personal – und genau das fehlt schon heute.

D Statt die Vier-Tage-Woche für alle zu fordern, sollten wir daher flexiblere Modelle fördern. Wer vier Tage arbeiten möchte, sollte das können; wer lieber fünf kürzere Tage hat, ebenso. Entscheidend ist nicht die Zahl der Arbeitstage, sondern dass Arbeit und Leben zusammenpassen.

واژه‌های کلیدی متن

بهره‌وری	die Produktivität	امیدوارکننده	vielversprechend
بجا، مناسب	angebracht	روند کار	der Ablauf
شبانه‌روزی	rund um die Uhr	تعمیم دادن به	übertragen (auf + A)
تعیین‌کننده	entscheidend	حمایت/تشویق کردن	fördern

👉 به هر بند (A تا D) یک عنوان بدهید. دو عنوان اضافه است.

۱. Nicht überall umsetzbar

۲. Ein Experiment mit vollem Gehalt

۳. Mehr Wahlfreiheit statt einer Lösung für alle

۴. Zufriedener und genauso produktiv

۵. Warum die Deutschen weniger arbeiten wollen

۶. Gewerkschaften lehnen das Modell ab



چندزبانگی با مغز چه می‌کند؟

۵.۳

Ein populärwissenschaftlicher Text

متن علمی-عمومی

Was Mehrsprachigkeit im Gehirn bewirkt

Lange Zeit glaubte man, dass Kinder durch mehrere Sprachen überfordert würden. Eltern wurde sogar geraten, mit ihren Kindern nur eine Sprache zu sprechen. Heute sieht die Forschung das deutlich anders.

Zahlreiche Studien deuten darauf hin, dass mehrsprachige Menschen bestimmte geistige Fähigkeiten besonders gut trainieren. Wer ständig zwischen zwei Sprachen wechselt, muss die jeweils nicht benötigte Sprache „unterdrücken“. Dieses permanente Umschalten könnte die sogenannten exekutiven Funktionen stärken – also die Fähigkeit, sich zu konzentrieren, Wichtiges von Unwichtigem zu unterscheiden und flexibel zu reagieren.

Einige Untersuchungen legen außerdem nahe, dass Mehrsprachigkeit im Alter einen gewissen Schutz bieten kann: Bei mehrsprachigen Menschen treten erste Symptome von Demenz demnach im Durchschnitt später auf. Allerdings sind die Ergebnisse nicht eindeutig; andere Studien konnten diesen Effekt nicht bestätigen.

Sicher ist dagegen: Es ist nie zu spät, eine neue Sprache zu lernen. Zwar fällt Erwachsenen vor allem die Aussprache schwerer als Kindern, doch beim Wortschatz und bei der Grammatik kommen sie oft schneller voran, weil sie bewusster und strategischer vorgehen.

واژه‌های کلیدی متن

نشان دادن، حاکی بودن	darauf hindeuten	بیش از توان کسی بودن	überfordern
جابه‌جا شدن، سوئیچ کردن	umschalten	سرکوب کردن	unterdrücken
قطعی، روشن	eindeutig	احتمالش را مطرح کردن	nahelegen
پیشرفت کردن	vorankommen	تأیید کردن	bestätigen

درست (R) یا نادرست (F)؟

Früher riet man Eltern, mit ihren Kindern nur eine Sprache zu sprechen.	R F
Laut Text ist eindeutig bewiesen, dass Mehrsprachigkeit vor Demenz schützt.	R F
Das Wechseln zwischen Sprachen könnte die Konzentration trainieren.	R F
Erwachsene lernen Grammatik grundsätzlich langsamer als Kinder.	R F
Bei der Aussprache haben Kinder oft einen Vorteil.	R F



شرایط ثبت‌نام در دوره‌های زبان

Teilnahmebedingungen

۵.۴

مقررات و شرایط

Volkshochschule – Teilnahmebedingungen für Sprachkurse

§ 1 Anmeldung. Die Anmeldung erfolgt online oder persönlich in der Geschäftsstelle. Sie ist verbindlich, sobald die Kursgebühr bezahlt wurde.

§ 2 Rücktritt. Ein kostenloser Rücktritt ist bis 14 Tage vor Kursbeginn möglich. Danach wird eine Bearbeitungsgebühr von 15 Euro erhoben. Ab dem ersten Kurstag ist eine Erstattung ausgeschlossen, es sei denn, Sie legen eine ärztliche Bescheinigung vor.

§ 3 Ermäßigung. Studierende, Auszubildende und Empfänger von Sozialleistungen erhalten gegen Nachweis eine Ermäßigung von 30 Prozent.

§ 4 Kursausfall. Findet ein Kurs wegen zu geringer Teilnehmerzahl nicht statt, wird die volle Gebühr zurückerstattet. Ein Anspruch auf einen Ersatztermin besteht nicht.

§ 5 Teilnahmebescheinigung. Eine Teilnahmebescheinigung wird ausgestellt, wenn Sie an mindestens 80 Prozent der Kurstermine teilgenommen haben.

واژه‌های کلیدی متن

انصراف	der Rücktritt	الزام‌آور، قطعی	verbindlich
غیرممکن، مستثنا	ausgeschlossen	دریافت کردن (هزینه)	erheben (Gebühr)
مدرک اثبات	der Nachweis	مگر این‌که	es sei denn
صادر کردن	ausstellen	تخفیف	die Ermäßigung

👉 گزینه درست را انتخاب کنید.

1. 1. Wann ist die Anmeldung verbindlich?

- a) Nach dem ersten Kurstag.
- b) Sobald die Gebühr bezahlt ist.
- c) Direkt nach der Online-Anmeldung.

2. 2. Sie sagen zehn Tage vor Kursbeginn ab. Was passiert?

- a) Sie bekommen alles zurück.
- b) Sie zahlen 15 Euro.
- c) Sie bekommen nichts zurück.

3. 3. Wer bekommt eine Ermäßigung?

- a) Alle unter 30 Jahren.
- b) Studierende mit Nachweis.
- c) Alle, die früh buchen.

4. 4. Der Kurs fällt aus. Was gilt?

- a) Man bekommt automatisch einen neuen Termin.
- b) Man bekommt die volle Gebühr zurück.
- c) Man zahlt eine Bearbeitungsgebühr.



راهنمای آزمون خواندن و شنیدن B2

Strategien für Lesen und Hören

۵.۵

متن‌های B2 طولانی‌تر و پیچیده‌ترند و وقت کمی دارید. مهم‌ترین مهارت، شناختن نوع تکلیف و استفاده از راهنم‌های مناسب همان تکلیف است.

چه کار کنم؟

نوع تکلیف

تطبیق نظرها با افراد (Wer ...?)
اول جمله‌ها را بخوانید و کلیدواژه‌ها را علامت بزنید. هر متن را یک بار سریع بخوانید و موضع کلی هر نفر را یادداشت کنید.

نوع تکلیف	چه کار کنم؟
متن با جمله‌های حذف‌شده	به کلمات ربط و ضمیرهای اول و آخر هر جمله پیشنهادی دقت کنید (dies, dabei, deshalb, jedoch)؛ آن‌ها نشان می‌دهند جمله به کجا وصل می‌شود.
چندگزینه‌ای درباره مقاله	گزینه‌ای که همان کلمات متن را تکرار می‌کند معمولاً تله است. دنبال هم‌معنی‌ها بگردید.
انتخاب عنوان برای بند	فقط جمله اول و آخر هر بند را دقیق بخوانید؛ ایده اصلی معمولاً همان‌جاست.
مقررات و دستورالعمل	سؤال‌ها روی استثنایا تمرکز دارند: es sei denn, außer, nur wenn, ausgeschlossen.
شنیدن: بحث رادیویی	در ثانیه‌های اول، صدای هر گوینده و نقشش (مجری، موافق، مخالف) را تشخیص دهید.
شنیدن: سخنرانی یا مصاحبه	سؤال‌ها به ترتیب متن‌اند؛ اگر یکی را از دست دادید، فوراً سراغ بعدی بروید.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

یکی از بزرگ‌ترین تله‌ها برای فارسی‌زبان‌ها، **Konjunktiv I** در نقل قول است: وقتی متن می‌گوید **Kritiker meinen, die Maßnahme sei sinnlos**، این نظر نویسنده نیست؛ نظر منتقدان است. در سؤال‌های «نظر نویسنده چیست؟» این تفاوت تعیین‌کننده است.

نکته

هر روز یک مقاله کوتاه از یک رسانه معتبر آلمانی‌زبان بخوانید و فقط سه چیز را یادداشت کنید: موضوع، نظر اصلی و یک ترکیب جدید (مثلاً auf Kritik stoßen). همین عادت در سه ماه سرعت خواندن شما را چند برابر می‌کند.

جمله‌های کاربردی، مکالمه و نوشتن B2

Redemittel, Sprechen und Schreiben

آزمون B2 دو بخش شفاهی دارد (ارائه و بحث) و دو بخش نوشتاری (نظر در فروم و پیام رسمی). در این بخش برای هر کدام ساختار، جمله‌های آماده و نمونه پاسخ کامل آمده است.

Hallo!

سلام

Hallo!

سلام

جمله‌های آماده برای استدلال (Redemittel)

Redemittel für Argumentation und Diskussion

۶.۱

استدلال و دلیل آوردن

Ein wesentliches Argument dafür ist, dass ...

یک دلیل اساسی این است که ...

Hinzu kommt, dass ...

به این اضافه می‌شود که ...

Das zeigt sich zum Beispiel daran, dass ...

این مثلاً در این‌جا دیده می‌شود که ...

Nicht zu vergessen ist, dass ...

نباید فراموش کرد که ...

موضوع‌گیری دقیق

Ich vertrete die Ansicht, dass ...

من بر این عقیده‌ام که ...

Ich bin fest davon überzeugt, dass ...

کاملاً مطمئنم که ...

Aus meiner Sicht spricht vieles dafür, dass ...

از نظر من دلایل زیادی هست که ...

Ich stehe dieser Idee eher skeptisch gegenüber.

نسبت به این ایده نسبتاً بدبینم.

رد کردن مؤدبانه

Da muss ich Ihnen widersprechen.

این‌جا باید با شما مخالفت کنم.

Das sehe ich grundsätzlich anders.

اساساً طور دیگری می‌بینم.

Ihr Argument überzeugt mich nicht ganz, weil ...

استدلالتان کاملاً قانع‌کننده نیست، چون ...

Ich gebe zu bedenken, dass ...

یادآوری می‌کنم که ...

محدود کردن ادعا

Das trifft nur bedingt zu.

این فقط تا حدی صدق می‌کند.

Bis zu einem gewissen Grad stimme ich zu, aber ...

تا حدی موافقم، اما ...

Das hängt davon ab, ob ...

بستگی دارد به این‌که آیا ...

Man darf nicht verallgemeinern.

نباید تعمیم داد.

پاسخ به مخالفت

Das mag sein, aber ...

شاید این طور باشد، اما ...

Ich verstehe Ihren Punkt, trotzdem ...

منظورتان را می فهمم، با این حال ...

Darf ich das kurz erklären?

اجازه می دهید کوتاه توضیح بدهم؟

Lassen Sie mich ausreden, bitte.

لطفاً بگذارید حرفم را تمام کنم.

رسیدن به توافق

Könnten wir uns darauf einigen, dass ...?

می توانیم توافق کنیم که ...؟

Ein Kompromiss wäre vielleicht ...

شاید یک راه میانه این باشد که ...

In diesem Punkt sind wir uns einig.

در این نکته هم نظیریم.

Lassen Sie uns zusammenfassen: ...

بیا بیا جمع بندی کنیم: ...

ساختار دادن به ارائه

Zunächst möchte ich auf ... eingehen.

ابتدا می خواهم به ... بپردازم.

Damit komme ich zum nächsten Punkt.

با این به نکته بعد می رسم.

Abschließend lässt sich sagen, dass ...

در پایان می توان گفت که ...

Ich komme nun zum Schluss.

حالا به جمع بندی می رسم.

وقت خریدن و اصلاح خود

Wie soll ich es ausdrücken ...

چطور بیا نش کنم ...

Oder besser gesagt: ...

یا بهتر بگویم: ...

Was ich damit meine, ist ...

منظورم از این ... است

Darauf komme ich gleich noch zurück.

الان به آن برمی گردم.

نکته

در B2 فقط «نظر دادن» کافی نیست؛ ممتحن می خواهد ببیند **استدلال** می کنید، ادعایاتان را **محدود** می کنید و به حرف طرف مقابل **واکنش** نشان می دهید. از هر گروه بالا حداقل یک جمله را در هر بحث به کار ببرید.

آزمون شفاهی، بخش اول: ارائه

۶.۲

Sprechen Teil 1: Einen Vortrag halten (ca. 4 Minuten)

از بین دو موضوع یکی را انتخاب می کنید و حدود ۴ دقیقه درباره آن صحبت می کنید. ساختار معمول: معرفی موضوع، توضیح چند راه حل یا جنبه، مزایا و معایب، وضعیت در کشور خودتان و نظر شخصی. بعد از ارائه، هم گروهتان و ممتحن یک سؤال می پرسند.

موضوع نمونه

Fremdsprachen in der Grundschule – Ab welchem Alter sollten Kinder eine Fremdsprache lernen?

Ich möchte heute über die Frage sprechen, ab welchem Alter Kinder eine Fremdsprache lernen sollten. Das Thema ist mir persönlich wichtig, weil ich selbst erst mit 25 angefangen habe, Deutsch zu lernen. Zunächst stelle ich verschiedene Modelle vor, dann gehe ich auf die Vor- und Nachteile ein, und am Ende sage ich meine Meinung.

Grundsätzlich gibt es drei Möglichkeiten: Erstens kann man schon im Kindergarten spielerisch mit einer Fremdsprache beginnen. Zweitens kann der Unterricht in der Grundschule anfangen, wie es in vielen deutschen Bundesländern der Fall ist. Drittens kann man warten, bis die Kinder ihre Muttersprache sicher beherrschen, also etwa bis zur weiterführenden Schule.

Für einen frühen Beginn spricht vor allem die Aussprache: Kleine Kinder lernen Laute oft wie nebenbei. Hinzu kommt, dass sie weniger Angst vor Fehlern haben. Auf der anderen Seite befürchten manche Eltern, dass ihre Kinder überfordert sein könnten. Außerdem bringt früher Unterricht wenig, wenn die Lehrkräfte nicht gut ausgebildet sind.

Im Iran beginnt der Englischunterricht an staatlichen Schulen relativ spät. Deshalb schicken viele Familien ihre Kinder zusätzlich in private Sprachschulen – oft schon im Vorschulalter. Das führt allerdings dazu, dass die Chancen sehr ungleich verteilt sind, weil sich nicht alle Familien das leisten können.

Meiner Meinung nach ist ein früher, spielerischer Beginn sinnvoll – vorausgesetzt, die Qualität des Unterrichts stimmt. Abschließend lässt sich sagen: Nicht das Alter allein entscheidet, sondern wie motivierend und regelmäßig gelernt wird. Vielen Dank für Ihre Aufmerksamkeit.



نکته

در ارائه B2 از اعداد ترتیبی (Erstens ... Zweitens ... Drittens) و جمله‌های گذار (Damit komme ich zu ...) استفاده کنید. ممتحن با همین نشانه‌ها ساختار ارائه‌تان را دنبال می‌کند.

آزمون شفاهی، بخش دوم: بحث

Sprechen Teil 2: Diskussion (ca. 5 Minuten)

۶.۳

شما و هم‌گروه‌تان درباره یک موضوع بحث‌برانگیز گفت‌وگو می‌کنید. هدف این نیست که برنده شوید؛ باید نظر بدهید، دلیل بیاورید، به استدلال طرف مقابل واکنش نشان دهید و در پایان اگر ممکن است به یک جمع‌بندی برسید.

Sollten Smartphones an Schulen komplett verboten werden?

- Sara** Ich bin fest davon überzeugt, dass ein Handyverbot an Schulen sinnvoll wäre. Die Schüler wären konzentrierter, und in den Pausen würden sie wieder miteinander reden.
- Jonas** Das mag sein, aber ein komplettes Verbot halte ich für übertrieben. Smartphones können im Unterricht auch nützlich sein, zum Beispiel für Recherchen oder Vokabel-Apps.
- Sara** Da muss ich dir widersprechen. Dafür gibt es doch Tablets oder Computer in der Schule. Das Problem ist, dass viele Schüler ständig auf Social Media gehen.
- Jonas** Ich verstehe deinen Punkt. Trotzdem müssen Jugendliche lernen, verantwortungsvoll mit dem Handy umzugehen. Ein Verbot löst das Problem ja nicht, es verschiebt es nur.
- Sara** Bis zu einem gewissen Grad stimme ich dir zu. Wie ist das eigentlich in Deutschland geregelt? Im Iran sind Handys im Unterricht an vielen Schulen nicht erlaubt.
- Jonas** Bei uns entscheidet das meistens jede Schule selbst. An meiner alten Schule mussten die Handys im Unterricht aus sein, in den Pausen durfte man sie aber benutzen.
- Sara** Das klingt nach einem guten Kompromiss. Könnten wir uns darauf einigen, dass Handys im Unterricht nur erlaubt sind, wenn die Lehrkraft es ausdrücklich erlaubt?
- Jonas** Ja, damit bin ich einverstanden. Und zusätzlich sollte es an Schulen mehr Medienbildung geben.

نکته

به ساختار دقت کنید: **موضوع** ← **مخالفت مؤدبانه** ← **استدلال جدید** ← **مقایسه با کشور خود** ← **سازش**. پرسیدن نظر طرف مقابل (Wie siehst du das?) و اشاره به کشور خودتان دو امتیاز مهم این بخش‌اند.



نوشتن، بخش اول: نظر در فروم

۶.۴

Schreiben Teil 1: Forumsbeitrag (ca. 150 Wörter)

صورت سؤال نمونه

در یک فروم اینترنتی دربارهٔ تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر جامعه بحث می‌شود. نظران را بنویسید و به این چهار نکته بپردازید: (۱) نظر شخصی‌تان دربارهٔ شبکه‌های اجتماعی (۲) دلایل محبوبیت آن‌ها (۳) خطرات برای نوجوانان (۴) پیشنهادی برای استفادهٔ مسئولانه. (نکته‌ها را می‌توانید به ترتیب دلخواه بیاورید.)

Soziale Medien sind heute aus unserem Alltag kaum noch wegzudenken – auch aus meinem. Ich persönlich nutze sie vor allem, um mit meiner Familie im Iran in Kontakt zu bleiben. Dafür bin ich sehr dankbar.

Dass soziale Netzwerke so beliebt sind, hat meiner Ansicht nach mehrere Gründe. Zum einen kann man sich schnell und kostenlos informieren, zum anderen bieten sie die Möglichkeit, sich selbst darzustellen und Anerkennung zu bekommen.

Gerade darin liegt jedoch auch eine Gefahr, insbesondere für Jugendliche. Viele vergleichen sich ständig mit perfekt inszenierten Bildern, was ihr Selbstwertgefühl beeinträchtigen kann. Hinzu kommt, dass Falschmeldungen sich rasend schnell verbreiten.

Ein vollständiger Verzicht ist aus meiner Sicht weder realistisch noch nötig. Sinnvoller wäre es, Medienkompetenz schon in der Schule zu vermitteln. Außerdem könnten feste handyfreie Zeiten in der Familie helfen, einen bewussteren Umgang zu lernen.

چک لیست بخش اول

- ✓ به هر چهار نکته بپردازید (هر کدام یک پاراگراف کوتاه) ✓ دست کم دو ساختار B2: Konjunktiv II, مجهول یا جایگزینش (kaum wegzudenken) ✓ کلمات ربط متنوع: zum einen ... zum anderen, jedoch, hinzu kommt ✓ مقدمه و جمع بندی کوتاه.

نوشتن، بخش دوم: پیام رسمی

۶.۵

Schreiben Teil 2: Formelle Nachricht (ca. 100 Wörter)

صورت سؤال نمونه

شما در یک شرکت کار می‌کنید و قرار است فردا در یک کارگاه آموزشی که خانم برگر، مدیرتان، ترتیب داده شرکت کنید. به دلیل یک مشکل نمی‌توانید بروید. به او بنویسید: عذرخواهی کنید، دلیل را توضیح دهید و یک راه حل پیشنهاد کنید.

Sehr geehrte Frau Berger,

leider muss ich Ihnen mitteilen, dass ich an dem morgigen Workshop zum Thema Projektmanagement nicht teilnehmen kann. Das tut mir außerordentlich leid, zumal ich mich sehr darauf gefreut hatte.

Grund dafür ist ein kurzfristiger Termin bei der Ausländerbehörde, der sich trotz mehrerer Versuche nicht verschieben ließ. Da meine Aufenthaltserlaubnis demnächst abläuft, ist dieser Termin leider unumgänglich.

Wäre es möglich, dass ich am nächsten Workshop im Juni teilnehme? Alternativ könnte mir eine Kollegin die Unterlagen zur Verfügung stellen, damit ich die Inhalte selbstständig nacharbeiten kann.

Für Ihr Verständnis bedanke ich mich im Voraus.

Mit freundlichen Grüßen

Reza Ahmadi

کاربرد	جمله رسمی
اشاره به موضوع	Bezüglich des Workshops möchte ich Ihnen mitteilen, / Ich beziehe mich auf Ihre E-Mail vom
عذرخواهی	Es tut mir außerordentlich leid, dass ... / Ich bitte vielmals um Entschuldigung, dass ...
درخواست	Könnten Sie mir bitte mitteilen, ob ... / Ich wäre Ihnen sehr dankbar, wenn ...
پیشنهاد	Alternativ könnte ich ... / Ich würde vorschlagen, dass ...
پایان	Sollten Sie Fragen haben, melden Sie / Für Rückfragen stehe ich Ihnen gern zur Verfügung. sich gern.

⚠ اشتباه رایج

در پیام رسمی B2 سه اشتباه رایج: ۱) شروع جمله بعد از Sehr geehrte Frau ..., با حرف بزرگ (درستش حرف کوچک است) ۲) قاطی کردن Sie و du ۳) نوشتن بیش از حد کوتاه. حدود ۱۰۰ کلمه یعنی ۸۰ تا ۱۲۰، نه ۵۰.

اشتباهات رایج فارسی‌زبان‌ها در B2

Typische Fehler auf B2-Niveau

در B2 دیگر اشتباه‌های پایه کمتر دیده می‌شود؛ مشکل اصلی در ساختارهای پیشرفته و ترکیب‌های ثابت است. این جدول اشتباه‌هایی را آورده که در نوشته‌های زبان‌آموزان ایرانی در این سطح بیشتر از همه تکرار می‌شوند.



اشتباه ✗	درست ✓	چرا؟
~~Er sagt, dass er ist müde.~~	Er sagt, er sei müde. / ..., dass er müde ist .	یا I Konjunktiv بدون dass با فعل در جایگاه دوم، یا dass با فعل در آخر.
~~Ich hätte das machen gesollt.~~	Ich hätte das machen sollen .	با مصدر دیگر، فعل مدال در گذشته به شکل مصدر می‌آید (دو مصدر).
~~..., dass ich es machen sollen hätte.~~	..., dass ich es hätte machen sollen .	با دو مصدر، فعل صرف‌شده در جمله وابسته قبل از آن‌ها می‌آید.
~~Das Auto ist repariert geworden.~~	Das Auto ist repariert worden .	در Perfekt مجهول worden است.
~~Das hat einen großen Einfluss an die Jugend.~~	... einen großen Einfluss auf die Jugend.	Akkusativ + Einfluss auf؛ نه ترجمه «تأثیر روی».
~~Ich habe Kritik für die Regierung.~~	Ich übe Kritik an der Regierung.	Dativ + Kritik üben an
~~Wegen dem Wetter fiel das Spiel aus.~~	Wegen des Wetters fiel das Spiel aus.	در متن رسمی B2 wegen با Genitiv.
~~Der Bericht zufolge ...~~	Dem Bericht zufolge ...	zufolge با Dativ و بعد از اسم می‌آید.
~~Er tut so, als ob er alles weiß.~~	Er tut so, als ob er alles wüsste .	بعد از als ob از Konjunktiv II استفاده کنید.
~~Das ist alles, das ich weiß.~~	Das ist alles, was ich weiß.	بعد از alles, nichts, etwas ضمیر موصولی was است.
~~Ich bin froh, die Prüfung zu bestehen.~~	Ich bin froh, die Prüfung bestanden zu haben .	کار تمام‌شده ← مصدر گذشته.
~~Ich warte auf, dass er anruft.~~	Ich warte darauf , dass er anruft.	قبل از جمله dass حرف اضافه به -da(r) تبدیل می‌شود.
~~Er hat das Buch übersetzt.~~	Er hat das Buch übersetzt .	übersetzen به معنای ترجمه جدانشدنی است.
~~Ich habe einen Deutschen Freund.~~	Ich habe einen deutschen Freund.	صفت ملیت قبل از اسم با حرف کوچک؛ فقط اسم (ein Deutscher) بزرگ است.
~~Die Integration ist für Migranten wichtig, deshalb sie lernen Deutsch.~~	..., deshalb lernen sie Deutsch.	بعد از قیدهای ربطی (..., deshalb, trotzdem) فعل بلافاصله می‌آید.

اشتباه X	✓ درست	چرا؟
Ich würde sagen, dass ich gerne kommen würde.	Ich würde sagen, dass ich gerne kommen würde.	زیاده روی در würde و جای غلط فعل؛ در جمله وابسته فعل آخر است.

لحن و تکیه: یک قدم نزدیک تر به گفتار طبیعی

۷.۱

Satzmelodie und Wortakzent

مورد	قاعده	مثال
لحن جمله های خبری	در آخر جمله پایین می آید	Ich komme aus Teheran. ↘
سؤال بله/خیر	در آخر جمله بالا می رود	Kommst du mit? ↗
تکیه کلمات ترکیبی	روی جزء اول	der Bahnhof, die Hausaufgabe
تکیه فعل جداشدنی	روی پیشوند	anrufen, aufstehen
تکیه فعل جداشدنی	روی ریشه	verstehen, bekommen
کلمات لاتینی -ion / -tät / -ie	تکیه روی هجای آخر	Situation, Qualität, Demokratie

ویژه فارسی زبان ها

در فارسی تکیه کلمه معمولاً روی هجای آخر است و فارسی زبان ها همین عادت را به آلمانی می آورند (مثلاً «بان هُف» به جای Bahnhof). در آلمانی تکیه بیشتر کلمه ها روی هجای اول یا ریشه است. وقتی کلمه جدیدی یاد می گیرید، تکیه اش را هم با یک خط زیر هجا یادداشت کنید.

پاسخ تمرین‌ها

Lösungen



در B2 بسیاری از تمرین‌ها بیش از یک جواب درست دارند. اگر جواب شما با پاسخنامه فرق دارد، بررسی کنید که از نظر گرامری درست است و همان معنی را می‌رساند یا نه.

تمرین ۱

1. Er wird wohl krank sein.
2. wird ... schlafen gegangen sein
3. wird ... gelernt haben
4. wirst ... liegen gelassen haben

تمرین ۲

1. Die Firma soll pleite sein.
2. Er muss den Bus verpasst haben.
3. Sie will den Unfall nicht gesehen haben.
4. Das dürften ungefähr 50 Leute sein.

تمرین ۳

1. Der Antrag ist bis Freitag einzureichen.
2. Das Fenster lässt sich nicht öffnen.
3. Dieser Fehler ist vermeidbar.
4. Die Wohnung hat renoviert werden müssen.

تمرین ۴

1. ..., die Lage sei stabil.
2. ..., sie hätten alle Fragen beantwortet.
3. ..., er habe nichts gesehen.
4. ..., ich solle zwei Tage im Bett bleiben.

تمرین ۵

1. hätte ... lernen sollen
2. wäre
3. hätte ... anrufen können
4. hätte ... können

تمرین ۶

1. die Stadt, die schnell wächst
2. der Schrank, der gestern geliefert wurde
3. die Vorlesung, die von vielen Studenten besucht wird
4. das Angebot, das noch geprüft werden muss

تمرین ۷

1. Wegen des schlechten Wetters ...
2. Trotz der hohen Preise ...
3. Nach dem Abschluss des Studiums ...
4. Durch regelmäßiges Lesen ...

تمرین ۸

1. sodass
2. indem
3. dennoch
4. sofern
5. wohingegen

تمرین ۹

1. Angesichts
2. zufolge
3. Mithilfe
4. Anlässlich

تمرین ۱۰

1. Wer
2. was
3. worüber
4. deren

تمرین ۱۱

1. ..., die Prüfung bestanden zu haben.
2. ..., befördert zu werden.
3. ..., nichts gewusst zu haben.
4. ..., ausgezeichnet worden zu sein.

تمرین ۱۲

1. denn
2. mal
3. doch ... doch
4. halt / eben

تمرین ۱۳

1. die · das · der · die
2. endlos · trinkbar
3. verlaufen
4. missverstehen

تمرین ۱۴

1. übersetzt
2. umgefahren
3. unterbrochen
4. wiederholt

تمرین ۱۵

1. Deutscher
2. Angestellte
3. Beamten
4. Neues

تمرین ۱۶

1. Gestern habe ich einen interessanten Artikel gelesen.
2. Ohne Ihre Hilfe können wir das Projekt nicht beenden.
3. Dass Sie gekommen sind, freut mich.
4. Viele Leute warteten vor der Tür.

♦ پاسخ سؤال‌های متن‌های خواندنی

متن	پاسخ‌ها
۵.۱ (a/b/c)	b · ۲. b · ۳. b · ۴. a · ۱
۵.۲ (عنوان‌ها)	۳ ← D · ۱۰ ← C · ۴ ← B · ۲ ← A (عنوان ۵ و ۶ اضافه‌اند)
۵.۳ (R/F)	R · ۲. F · ۳. R · ۴. F · ۵. R · ۱
۵.۴ (a/b/c)	b · ۲. b · ۳. b · ۴. b · ۱

فلش کارت‌های آموزشی B2

Lernkarten zum Ausdrucken

۷۲ کارت در ۶ مجموعه: اسم‌ها، فعل‌ها، فعل‌های حرف‌افزاده‌دار، کلمات ربط و حروف اضافه، ترکیب‌های رسمی و اصطلاحات. هر صفحه «روی کارت» با صفحه «پشت کارت» بعدی‌اش جفت است.



راهنمای چاپ و استفاده 💡

- صفحه‌های فلش‌کارت را **دورو** و با گزینه «چرخش از لبه بلند» (Long edge) چاپ کنید؛ پشت کارت‌ها قرینه شده‌اند تا دقیقاً پشت روی خودشان بیفتند. ۲. از روی خط‌چین‌ها ببرید. ۳. رنگ نوار بالای کارت جنس اسم را نشان می‌دهد: **der = آبی**
- در B2 فقط معنی کافی نیست: برای هر کارت یک جمله کامل و شخصی بسازید و بلند بگویید. **die = قرمز** **das = سبز**

مجموعه ۱: اسم‌های کلیدی B2 (Nomen) – روی کارت

اسم‌های کلیدی B2 ۱-۱ die Nachhaltigkeit	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۲ der Fachkräftemangel	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۳ die Voraussetzung -en
اسم‌های کلیدی B2 ۱-۴ die Maßnahme -n	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۵ das Vorurteil -e	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۶ die Gleichberechtigung
اسم‌های کلیدی B2 ۱-۷ der Fortschritt -e	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۸ die Quelle -n	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۹ die Einbürgerung -en
اسم‌های کلیدی B2 ۱-۱۰ der Anspruch -e	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۱۱ die Nebenwirkung -en	اسم‌های کلیدی B2 ۱-۱۲ die Glaubwürdigkeit

مجموعه ۱: اسم‌های کلیدی B2 – پشت کارت

۱-۳ پیش شرط <i>Deutsch ist eine Voraussetzung.</i>	۱-۲ کمبود نیروی متخصص <i>Der Fachkräftemangel ist groß.</i>	۱-۱ پایداری <i>Nachhaltigkeit wird immer wichtiger.</i>
۱-۶ برابری حقوق <i>Gleichberechtigung ist ein Ziel.</i>	۱-۵ پیش داوری <i>Wir müssen Vorurteile abbauen.</i>	۱-۴ اقدام، تدبیر <i>Die Stadt ergreift Maßnahmen.</i>
۱-۹ اخذ تابعیت <i>Sie hat die Einbürgerung beantragt.</i>	۱-۸ منبع <i>Prüfe die Quelle!</i>	۱-۷ پیشرفت <i>Der Fortschritt bringt Risiken.</i>
۱-۱۲ اعتبار <i>Die Zeitung verlor an Glaubwürdigkeit.</i>	۱-۱۱ عارضه جانبی <i>Es gibt kaum Nebenwirkungen.</i>	۱-۱۰ حق، استحقاق <i>Sie haben Anspruch darauf.</i>

مجموعه ۲: فعل‌های کلیدی B2 (Verben) – روی کارت

فعل‌های کلیدی B2 ۲-۱ befördern beförderte – hat befördert	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۲ bewältigen bewältigte – hat bewältigt	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۳ beeinflussen beeinflusste – hat beeinflusst
فعل‌های کلیدی B2 ۲-۴ verzichten verzichtete – hat verzichtet	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۵ vorbeugen beugte vor – hat vorgebeugt	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۶ prägen prägte – hat geprägt
فعل‌های کلیدی B2 ۲-۷ veröffentlichen veröffentlichte – hat veröffentlicht	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۸ überwachen überwachte – hat überwacht	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۹ anerkennen erkannte an – hat anerkannt
فعل‌های کلیدی B2 ۲-۱۰ investieren investierte – hat investiert	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۱۱ haften haftete – hat gehaftet	فعل‌های کلیدی B2 ۲-۱۲ sich zurechtfinden fand zurecht – hat zurechtgefunden

۲-۳ تحت تأثیر قرار دادن <i>Werbung beeinflusst uns.</i>	۲-۲ از پسِ کاری برآمدن <i>Wir bewältigen die Krise.</i>	۲-۱ ترفع دادن <i>Sie wurde befördert.</i>
۲-۶ شکل دادن <i>Die Kindheit prägt uns.</i>	۲-۵ پیشگیری کردن <i>Sport beugt Krankheiten vor.</i>	۲-۴ صرف‌نظر کردن <i>Ich verzichte auf Zucker.</i>
۲-۹ به رسمیت شناختن <i>Der Abschluss wurde anerkannt.</i>	۲-۸ نظارت کردن <i>Kameras überwachen den Platz.</i>	۲-۷ منتشر کردن <i>Die Studie wurde veröffentlicht.</i>
۲-۱۲ جا افتادن، راه را پیدا کردن <i>Ich finde mich gut zurecht.</i>	۲-۱۱ مسئول خسارت بودن <i>Eltern haften für Kinder.</i>	۲-۱۰ سرمایه‌گذاری کردن <i>Wir investieren in Bildung.</i>

مجموعه ۳: فعل + حرف اضافه (Verb + Präposition) – روی کارت

فعل + حرف اضافه ۳-۱۰ sich auseinandersetzen mit + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۲۰ sich einsetzen für + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۳۰ beitragen zu + Dat.
فعل + حرف اضافه ۳-۴۰ führen zu + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۵۰ sich beziehen auf + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۶۰ profitieren von + Dat.
فعل + حرف اضافه ۳-۷۰ sich auswirken auf + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۸۰ warnen vor + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۹۰ sich verlassen auf + Akk.
فعل + حرف اضافه ۳-۱۰۰ sich eignen für + Akk.	فعل + حرف اضافه ۳-۱۱۰ neigen zu + Dat.	فعل + حرف اضافه ۳-۱۲۰ sich wenden an + Akk.

۳-۳ سهم داشتن در <i>Jeder trägt dazu bei.</i>	۳-۲ تلاش کردن برای <i>Sie setzt sich für Tiere ein.</i>	۳-۱ جدی پرداختن به <i>Ich setze mich damit auseinander.</i>
۳-۶ سود بردن از <i>Alle profitieren davon.</i>	۳-۵ اشاره داشتن به <i>Ich beziehe mich auf Ihre Mail.</i>	۳-۴ منجر شدن به <i>Das führt zu Problemen.</i>
۳-۹ تکیه کردن به <i>Verlass dich auf mich!</i>	۳-۸ هشدار دادن درباره <i>Experten warnen davor.</i>	۳-۷ اثر گذاشتن بر <i>Das wirkt sich auf alles aus.</i>
۳-۱۲ مراجعه کردن به <i>Wenden Sie sich an uns.</i>	۳-۱۱ تمایل داشتن به <i>Er neigt zu Stress.</i>	۳-۱۰ مناسب بودن برای <i>Das eignet sich für Kinder.</i>

مجموعه ۴: کلمات ربط و حروف اضافه (Konnektoren & Präpositionen) – روی کارت

کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۱۰ dennoch Position 1	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۲۰ indem Verb am Ende	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۳۰ sofern Verb am Ende
کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۴۰ wohingegen Verb am Ende	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۵۰ infolgedessen Position 1	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۶۰ zudem Position 1
کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۷۰ als ob + Konjunktiv II	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۸۰ es sei denn Hauptsatz	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۹۰ angesichts + Gen.
کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۱۰۰ zufolge Dat. + zufolge	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۱۱۰ hinsichtlich + Gen.	کلمات ربط و حروف اضافه ۴-۱۲۰ mithilfe + Gen.

مجموعهٔ ۴: کلمات ربط و حروف اضافه – پشت کارت

۴-۳ به شرطی که ..., sofern es klappt.	۴-۲ با ... کردن ..., indem man übt.	۴-۱ با این حال ..., dennoch kam er.
۴-۶ علاوه بر این Zudem ist es günstig.	۴-۵ در نتیجه ..., infolgedessen fiel er aus.	۴-۴ در حالی که برعکس ..., wohingegen sie bleibt.
۴-۹ با توجه به angesichts der Kosten	۴-۸ مگر این که ..., es sei denn, es regnet.	۴-۷ انگار که ..., als ob er alles wüsste.
۴-۱۲ به کمک mithilfe einer App	۴-۱۱ در خصوص hinsichtlich der Frage	۴-۱۰ به گزارش dem Bericht zufolge

مجموعه ۵: ترکیب‌های رسمی (Funktionsverbgefüge) – روی کارت

ترکیب‌های رسمی ۵-۱۰ zur Verfügung stellen	ترکیب‌های رسمی ۵-۲۰ in Kraft treten	ترکیب‌های رسمی ۵-۳۰ in Frage stellen
ترکیب‌های رسمی ۵-۴۰ Kritik üben an + Dat.	ترکیب‌های رسمی ۵-۵۰ Maßnahmen ergreifen	ترکیب‌های رسمی ۵-۶۰ in Betracht ziehen
ترکیب‌های رسمی ۵-۷۰ zur Sprache bringen	ترکیب‌های رسمی ۵-۸۰ Stellung nehmen zu + Dat.	ترکیب‌های رسمی ۵-۹۰ einen Beitrag leisten
ترکیب‌های رسمی ۵-۱۰۰ zur Folge haben	ترکیب‌های رسمی ۵-۱۱۰ auf Kritik stoßen	ترکیب‌های رسمی ۵-۱۲۰ Vor- und Nachteile abwägen

مجموعه ۵: ترکیب‌های رسمی – پشت کارت

۵-۳ زیر سؤال بردن <i>Er stellt alles in Frage.</i>	۵-۲ لازم‌الاجرا شدن <i>Das Gesetz tritt in Kraft.</i>	۵-۱ در اختیار گذاشتن <i>Wir stellen Ihnen alles zur Verfügung.</i>
۵-۶ در نظر گرفتن <i>Wir ziehen das in Betracht.</i>	۵-۵ اقدام کردن <i>Wir ergreifen Maßnahmen.</i>	۵-۴ انتقاد کردن از <i>Sie übt Kritik am Plan.</i>
۵-۹ سهم داشتن <i>Jeder leistet einen Beitrag.</i>	۵-۸ اظهار نظر کردن <i>Er nahm dazu Stellung.</i>	۵-۷ مطرح کردن <i>Ich bringe das zur Sprache.</i>
۵-۱۲ مزایا و معایب را سنجیدن <i>Wir wägen ab.</i>	۵-۱۱ با انتقاد روبه‌رو شدن <i>Der Plan stieß auf Kritik.</i>	۵-۱۰ پیامد داشتن <i>Die Krise hatte Entlassungen zur Folge.</i>

مجموعه ۶: اصطلاحات B2 (Redewendungen) – روی کارت

اصطلاحات B2 ۶-۱۰	اصطلاحات B2 ۶-۲۰	اصطلاحات B2 ۶-۳۰
zwei Fliegen mit einer Klappe schlagen	aus einer Mücke einen Elefanten machen	Eulen nach Athen tragen
اصطلاحات B2 ۶-۴۰	اصطلاحات B2 ۶-۵۰	اصطلاحات B2 ۶-۶۰
Viele Köche verderben den Brei.	Der Apfel fällt nicht weit vom Stamm.	jemandem ein Dorn im Auge sein
اصطلاحات B2 ۶-۷۰	اصطلاحات B2 ۶-۸۰	اصطلاحات B2 ۶-۹۰
den Kopf in den Sand stecken	etwas unter den Teppich kehren	Öl ins Feuer gießen
اصطلاحات B2 ۶-۱۰۰	اصطلاحات B2 ۶-۱۱۰	اصطلاحات B2 ۶-۱۲۰
auf der Hand liegen	in den sauren Apfel beißen	am Ball bleiben

۶-۳	۶-۲	۶-۱
زیره به کرمان بردن	از کاه کوه ساختن	با یک تیر دو نشان زدن
۶-۶	۶-۵	۶-۴
خار چشم کسی بودن	تره به تخمش می‌ره.	آشپز که دو تا شد، آش یا شور است یا بی‌نمک.
۶-۹	۶-۸	۶-۷
هیزم به آتش ریختن	ماست‌مالی کردن	سر را مثل کبک زیر برف کردن
۶-۱۲	۶-۱۱	۶-۱۰
پیگیر ماندن	تن به کار ناخوشایند دادن	مثل روز روشن بودن



Viel Erfolg!

موفق باشید!

B2 نقطه‌ای است که زبان از "درس" به "ابزار" تبدیل می‌شود. از این‌جا به بعد بهترین معلم شما متن‌ها، پادکست‌ها و گفت‌وگوهای واقعی است. هر روز کمی آلمانی واقعی بخوانید و بشنوید، و هر وقت به ساختاری برخوردید که مطمئن نبودید، به همین کتابچه برگردید.

برای منابع رایگان بیشتر یادگیری زبان، به چرب‌زبان سر بزنید

charbzaban.com